

علیه بیکاری

شماره ۴

۳۰ ربیع

نشریه کمیته ایحاد «اتحاد کارگری علیه بیکاری» نیمه اول آذرماه ۵۹

سرمقاله

سکوی حرکت کمیته ایحاد اتحاد کارگری علیه بیکاری

آنچه که از شماره های منتشر شده «علیه بیکاری» بر می آید، تاکنون بیشترین انرژی خود را صرف انجام دو وظیفه کرده است:

۱- نیروی شجاعت و اتحاد عمل با نیروهای کمونیست و انقلابی را تبلیغ و برای آن مبارزه میکند و خواستار حمایت این نیروها از کمیته ایحاد است و حتی مستقیماً از همه عناصر تشکیلاتی خواسته است که در داخل سازمانهای خود برای جلب هم کاری سازمانها با «کمیته ایحاد» و نشریه «علیه بیکاری» بکوشند.

۲- از سوی دیگر ست به مبارزه اید نولوزیک باید که معاشی زد است که خود به مثابه مانعی در سر راه مبارزه طبقه کارگری بعنوان یکی از مسائل مهم کارگران و زحمتکشان عمل میکند. در راه مبارزه اید نولوزیک باید بگوئیم که ما آنرا تا طمانه بعنوان جنبه ای از مبارزه همه جانبه مان در راه اهداف کمیته ایحاد تعقیب و پیگیری میکنیم و بخود کامل "حق میدهم که مبارزه اید نولوزیک را - اگر چه در رید و امر برای بکری نشانند بن نظراتمان در مورد بیکاری شروع میشود - در صورت لزوم به هر مدلی که ضروری میدانیم بکشانیم. لاجرم ارگان "کمیته ایحاد" باید از موضع اجتماعی چون انقلاب و مکتبیک، سوسیالیسم، ما هیت دولت و ایستگی، امپریالیسم و... سخن بمان آورد و شك نیست در همه این موارد "علیه بیکاری" از موضع مشخصی به طرح ایستن موضوعات خواهد پرداخت. شاید خوانندگان "علیه بیکاری" تاکنون دریافته باشند که نظرات طرح شد در مورد این موضوعات، نظرات مشخصی است که بعضاً با نظرات بسیاری از گروهها و سازمانها که خود "کمیته ایحاد" آنها را یوحدت و اتحاد عمل در مبارزه علیه بیکاری دعوت میکند از پاید رتناقض است. این تعارض مسئلهای را ایحاد میکند و آن این است که:

۲

جنگ!

تشدید بیکاری و ضرورت

مبارزه با آن

حدود ۱ ماه از شروع حمله نظامی ارتش عراق به شهرهای جنوبی و غربی ایران میگذرد. در این مدت گلوله های تانک و توپ و بمبهای رژیم سرمایه داری عراق، شهرها، کارخانه ها، مدارس و... را ویران ساخته، خانه ها را بر سرمانند زخم کشیده آن آوار کرد فاست. آوارگان جنگ، مردم زحمتکشی که در یکتا تبدیل ویرانی و کشتار، تاب تحمل تاوان جنگ سرمایه داری را ند اشتند، هم چیز خود را رها کرد و مرا هی شهرهای دیگر شد فاند. بیکاری و گرسنگی بیش از پیش شد، یسند شده است و نتایج د هشتتاک جنگ در پیش چشمان کشاد مان مردم و اشتر و کرم تر خود را نشان میدهند. اما آیا ویرانی، بیکاری، فقر، کشتار و سرکوب را تنها با شروع جنگ شاهد بود فایسم؟

کارگران و زحمتکشان شهرهای جنگ زده اکنون در شرایطی

۷

در صفحات دیگر

- × گوارگی از مبارزه پیشرو کارگران کارخانه آلام بون
- × نگاهی به نشریه "بیکاران" ارگان سراسری - کارکنان و شوراهای بیکاران کشور - قسمت سوم: دنباله رد نظرات "بیکاران" درباره وابستگی
- × طرح عوام فریبانه استفاده ۲۰٪ از بیکاران گام تازه رژیم نرجعت سرکوب مبارزات کارگران
- × اخراج کارگران هم چنان ادامه ندارد.

پیشن بسوی اتحاد کارگری علیه بیکاری!

دنیای سرمقاله از صفحه ۱

" آیا کمیته ایجاد خود با بحث درباره موضوعاتی که هنوز در سطح جنبش کارگری و کمونیستی بر سر آنها اتفاق نظر حاصل نشده است، در برابری اتحاد و وحدت عمل پانیزوهای دیگر نمی بندد؟ و در حالیکه " کمیته ایجاد " تلاش خود را معترف ایجاد " اتحاد کارگری علیه بیگاری " کرده است بهترین نیست به عقولاتی که مستقما " به بیگاری رضعی ندارند، زیرا این نامها - نوع وحدت و اتحاد عمل خود را با نیروهای دیگر به حداقل ممکن کاهش دهند؟ "

پاسخ ما به هر دو این سوالات منفی است و در این مختصر سعی میکنیم نظر خود را راجع به وحدت و بیگاری در این عرصه مبارزاتی بطور مثبت بیان کنیم.

باید یاد آوری کنیم که " اتحاد کارگری علیه بیگاری "، آن سازمانی که ما برای تشکیلش مبارزه میکنیم، سازمانی کارگری و توده ای است، این سازمان باید متکی بر قدرت توده های کارگر باشد و محل مساله همیشه کارگران بیگار و خانواده هایشان را در دستور کار خود قرار دهد. پس بدیهی است که بیسیاری از نیروها میتوانند با تشکیل آن موافق باشند و برای ایجاد آن تلاش کنند.

کمونیستها، هم از اینکه دولت حاضر را گاست بداند یا بلوک سوسیال خرد، بورژوازی و بورژوازی، نیروهای دموکرات واقعی، که به توده های ایمان دارند، هم از جنبش و غیره همی، حق را او مانع است و ... همگی میتوانند خواهان تشکیل چنین سازمانی باشند. غرض ما از این همه اصرار برای همکاری و وحدت عمل این نیروها، آنست که این توانایی ها در جهت تشکیل هر چه سریعتر این سازمان بکار افتد و توده های هر چه وسیعتری از طریق فعالیت این نیروها به ضرورت و امکان تشکیل آن واقف شده و بسیج گردند.

اما این نکته را نباید از نظر دور داشت که همه نیروهایی که میتوانند خواستار تشکیل چنین سازمانی باشند، باید دیدگاه واحد، یک چشم انداز واحد و یک هدف واحد برای تشکیل آن مبارزه نمیکنند. بعضی از نیروها و احزاب ممکن است تخفیف اوضاع فلاکتیاری کارگران را به منظور کم کردن خطر و جگری مجدد انقلاب خواستار باشند. آری اینهم ممکن است. لیکن مساله معتقدیم که اگر کارگران آگاه و انقلابیون راستین متشکل در یک سازمان رزمند، مستحید عمل کنند، حتی میتوانند از امکانات آنان نیز در جهت منافع تاریخی طبقه استفاده نمایند و در عین حال با مبارزه پیگیر و نشان دادن چهره واقعی آنان در عمل، ماهیت واقعیتهای را افشا کنند و تلاش آنان را برای بهره گیری ضد انقلابی خنثی نمایند.

" کمیته ایجاد " میگوید از گذشته درس گرفته و اشتباهات تجربه شده جنبش کمونیستی را تکرار نکند. " کمیته ایجاد " بخوبی میدانند که " اتحاد کارگری علیه بیگاری " ادامه خطی رشد کمونی خود اونیست یعنی اینکه با هر چه گسترده تر کردن " کمیته ایجاد " نمی تواند به " اتحاد کارگری علیه بیگاری " برسد چرا که اینست و شکل که "یتا" و کیفیتا " باید یکدیگر متعاقباً و تند " اتحاد کارگری "

یک سازمان توده ای است که حتی کارگران غیر سیاسی را نیز در برمیگیرد حال آنکه " کمیته ایجاد " یک کمیته مطلقا " سیاسی است " اتحاد کارگری " در شرایط کنونی بعلمت سطح نازل آگاهی سوسیالیستی در بین توده های کارگر نمیتواند سازمانی توده ای و در عین حال سازمانی باشد که مبارزه خود علیه بیگاری را در خدمت نابودی سرمایه داری و رسیدن به سوسیالیسم تعریف کند، حال آنکه " کمیته ایجاد " مبارزه علیه بیگاری را فقط در خدمت و در چهار چوب مبارزه برای سوسیالیسم و آنهم تنها سوسیالیسم علمی - دنیال میکند. " کمیته ایجاد " بدون میدانند که تلاش کارگر علیه بیگاری تنها مبارزه با مبارزه مشترک او به همراه متحدین، هواداران و همراهانشان باشد.

شده. لکن او میخواهد و میداند که باید تا آخرین راهی کسب به تشکیل " اتحاد کارگری علیه بیگاری " (با آن تعاریف دهه گفتم) منتهی میشود، هرچند این مبارزه را برد و برداشته باشد و آنرا فقط و فقط در آخر راه بر زمین بگذرد، نه آنکه به یزبان و گذار کند. او بدون آنکه همراهی با متحدین، هواداران و همراهانش ترسی بخود زاهدند و لحظه نیز متما یزردن خود از آنان را از یاد نخواهد برد. بنابراین و برای رسیدن به چنین هدفی، " کمیته ایجاد " ناگزیر باید " اتحاد کارگری علیه بیگاری " را از موضع خود تبلیغ کند. باید به تدریج عملی شود که ما آن " اتحاد کارگری " را لازم داریم که حلقه ها را از حلقه ها برید.

باید ارا را در نشان بیرون بکنند تا آن سازمانی را که سازندگان آن میکنند. باید بنده ها بنویسد؛ ما آن " اتحاد کارگری " را لازم داریم که ما را برای مبارزه برابری نظام سرمایه داری تقویت کند، تا آن سازمانی را که بر میسر باشد بنویسد بنویسد. ما بنویسد که ما با سازمانی نیاید آری که بدتر، خود مانع شود با بد و چشم امید به خیرات و میراث دولت سرمایه داران نه و زلف نه با آن سازمانی که فرصت طلبان میگویند. و اگر " کمیته ایجاد " بخواهد در عین دعوت و یزبان فعالیت عملی و همکاران را از پراکنجه ها و مخالفین و مخالف برآید، کارهای جزایندی دارند که در رس تقویت خود و خط خود در مبارزه علیه بیگاری باشند. ما خواستار آن هستیم که نیروهای انقلابی به " کمیته ایجاد " بیروند و آنرا تقویت کنند. زیدترین و پیگیرترین مبارزان به درون آن راه یابند، در مساعیج تصمیم گیری داخل شوند و نیروهای آنرا رهبری کنند، این آرزوی ما است.

لکن برای اینکه با ورود هر نیروی جدید " کمیته ایجاد " به تلاطم نیفتد و از مسیر خود منحرف نکند، و هویت آن حفظ شود، خواستار آن هستیم که حرکت و فعالیت عمومی " کمیته ایجاد " باید معلوم باشد و قبول و پذیرش و تعهد با وفاداری به آنها باید شرط اصلی هر دو به داخل " کمیته ایجاد " شناخته شود. این اصول و خط و خط کلی از بد و شروع کار آن معین بود و آنجا در زیر میخوانند نید سکوی حرکت " کمیته ایجاد " است. همه نیروهایی که میخواهند از درون " کمیته ایجاد " وارد طریق آن، برای ایجاد آن سازمان سازمانی مبارزه کنند، باید قبل از ورود به مثلث ورود به سلول تصمیم گیری و یا اشغال مراتب حساس و کلیدی است و نه حواسی " کمیته ایجاد " - این پلانتر را بپذیرند، بدون آنکه ملزم به قبول کلیه مواضع طرح شده در " علیه بیگاری " باشند.

طرح عوامفریبانه استخدام ۷۵

از بیکاران گام تازه رژیم

در جهت سرکوب مبارزات کارگران

د. رتاریخ ۵۹/۴/۱۵ شورای انقلاب در آخرین روزهای حیاتش طرح افزایش تعداد کارکنان کلیه کارخانجات ملی و صادراتی شده و برخی از موسسات و کارخانجات بخش خصوصی را به میزان ۵۰٪ به تصویب رسانید:

ماده واحد: کلیه کارخانجات ملی و صادراتی و همچنین موسسات و کارخانجات بخش خصوصی که تعداد شاغلین آنها از ۵۰ نفر سه بالا باشد مکلفند با توجه به قرارداد منضم این لایحه قانونی تعداد کارکنان خود را از ۵۹/۵/۱ به میزان ۵۰٪ افزایش دهند. تشخیص امکانات هر کارخانه و جبران اجزای این قانون با وزارت کار و امور اجتماعی میباشد، اولویت با کارآموزان مراکز آموزش حرفه‌ای و دبیرخانه‌ها میباشد.

با تصویب این قانون تأدیت بلندگوهای تبلیغاتی رژیم بوق و کرنای جدیدی برای دمیدن و تکرار گرفتن آن در مقابل مبارزات کارگران و بخصوص کارگران بیکار می‌باشد.

روزنامه‌ها با تیزتر رفتن می‌توانند که طرح ۵۰٪ اجباری، مشکل بیکاری حل می‌شود. اما باید در تقسیم‌بندی خود این آخرین برگ‌کشو را برای انقلاب را چاره‌ای اساسی برای بیکاری میدانند، مسئولین کار و بیکاری شروع به صادر کردن کارت فرستادن کارگران به ایستگاه کارخانه‌ها می‌کنند، وزارت کار در هر چه وسیع‌تر کردن ابعاد مسئله جلسه می‌گذارد و بیانیه‌ها و لایحه و تصویب صادر می‌کند. بنی صدر در هر بزم و رزم خود صحبتی از ۵۰٪ استخدام نیز می‌ماند و می‌آورد باستانی با آن می‌زند و خلاصه با این ماده واحد "شورای انقلاب" خون تازه‌ای برای مدتی در رگهای ارگانهای ضد کارگری رژیم به جریان می‌آید.

میتوانیم از خود پرسیم که شورای انقلاب چه اهدافی را با تصویب این طرح دنبال می‌کند و نتیجه آن چه بود؟

ابتدا ببینیم این طرح در چه زمانی تصویب شده است؟ میدانیم که زمان تصویب طرح یعنی اواسط تیرماه زمان اوچگی مبارزه دکن‌اران ورود و روبرو گرفتن آنان با ارگانهای سرکوب رژیم است. در کنار جمعها، تظاهراتها و اعتراضات مکرر کارگران بیکار این بار خیاابانهای تهران و شهرستانها از شعارها و خون‌سرخ دکن‌اران نیز رنگین است. مبارزه کارگران بیکار این بار در پیش مبارزات دکن‌اران برای بدست آوردن حق کار اوج نویسی می‌یابند.

در راههای اسفند و فروردین رژیم جمهوری اسلامی چه کرده و ضد کارگری خود را در سرکوب مبارزات سراسری کارگران بیکار و آنگنان آشکار کرد. بود که اینک در شرایط نوین تلام مبارزه و

در طایفه بیکاری شماره ۱ گزارشی از مبارزه دکن‌اران و اهدافی که رژیم در سرکوب این مبارزه دنبال می‌کند داشتیم.

یاد پیش بردن هر چه گسترده تر مبارزه بتواند دکن‌اران رژیم بناکننده‌های نویسی در کنار تاکتیک محوری سرکوبش می‌آیند بود. تاکنهایی که میتوانست به مثابه عقب نشینی رژیم در مقابل اوج گیری مبارزه و برای مقابله همه جانبه بر آن باشد.

"طایفه بیکاری" شماره ۱ در مقاله در باره وقوع نوشت کتب رژیم تنها آن زمانی که مبارزه اوج می‌گیرد و کارگران بر سر تحقق خواسته‌هایشان پای می‌نهند. قدمی به عقب می‌گذارد. آنقدر که معلوم باشد که بتواند به اعتبار آن، شور مبارزه و توان انقلابی کارگران را تخفیف دهد و با عقب نشینی موقتی آنها در صفوف کارگران تزلزل و شکاف اندازد.

و اینک در مقابل موج نویسی از مبارزه طایفه بیکاری که اینبار در دکن‌اران برچنداران افتد رژیم پیش ازین برای جلوگیری از اوچگیری مبارزه سرکوب هر چه جادو تر است، به جادوگری در کنار مبارزه ارگانهای سرکوبش دست می‌زند.

آنچه که شورای انقلاب با تصویب طرح می‌طلبد؟ ماده در ظاهر غیر از استفاده در حد خود گسترده در سراسر کشور نیست. اما در حالیکه رژیم با هوشیاری نسبت به این ماده گام‌ها را به تله می‌گذارد. تجربه وام بیکاری در همین حال که تریسهای بسیار گران‌بهای برای کارگران در مبارزه داشتند، در

راه هم در مقابل با کارگران بیکار بود. طرافت و بیکاری بیشتر در عقب نشینی‌ها بود. در بعضی طرحهای عوامفریبانه‌اش واد است و تلاش در جهت کاربرد بیشترین طرافت و بیکار را در این قانون می‌بینیم.

طرح از یک طرف اکثریت بی‌میل دکن‌اران و در مقابل دکن‌اران نجات را در مقابل استخدام ۵۰٪ از بیکاران مشخص می‌کند. اما در حالیکه در واقع همان ماده واحد "تشخیص امکانات هر کارخانه" و "جبران اجزای آنرا" به وزارت کار می‌سپارد. شورای انقلاب چنانی نمی‌خواهد که به بلیت رآب بکند. باید استخدام کرد. اما "تشخیص امکانات هر کارخانه" در استخدام اجزای آن به عهد و وزارت کار است.

ریش و قیچی هنوز در دست دولت است. شش شورای انقلاب قیچی آنرا در دست راست خود به دست چپ حواله کرد. دست اندک لرزشی را هم که دست چپ میتواند بخود بگیرد. "قرارداد کار موقت" و ماده ۲۲ قانون کار چیران میکنند. کفایت نگاه به بندهای "قرارداد کار موقت" که وزارت کار آنرا برای امین مورد بخصوص تنظیم کرده است بیاندازیم. بند ۲ - این قرارداد به استناد ماده ۲۲ (۱) و بند ۱ ماده ۲۳ (۲) قانون کار برای مدت معین تنظیم و مدتی آن شش ماه از تاریخ ... لغایت ... میباشد که پس از انقضای مدت در صورت نیازیم تخصص کارگرمندید آن برای ... مهیا د بکار بلا مانع است.

انگار که در مورد استخدام این کارگران، دولت از کاربرد ماده ۲۲ منصرف شده است. زیرا ماده ۲۲ که کارفرما را قادر می‌سازد هرگاه که میخواهد هر چند از کارگران را اخراج کند، بیسایه تصرف خود می‌آورد. ماده ۲۲ نیز حق فسخ قرارداد را در دست تعیین شده از طرفین ملس می‌کند. مگر در شرایطی که در قانون معین میشود. تا اینجا نظر می‌رسد که کارگرمند کیه

دنیای طرح عوامفریبانه . . . از صفحه ۳

بوسیله این قرارداد استخدام میشوند نمیتوان بر اساس ماده ۳۳ اخراج کرد . اما در حالیکه در یک بند از قرارداد ماده ۳۳ حذف میشود ، بند دیگری از هم کارفرما را قادر به فسخ یکجانبه قرارداد و اخراج کارگران میسازد .

بند ۹ قرارداد کارموقت : " در صورتی که کارفرما قبل از انقضای مدت قرارداد به جهاتی نتواند از خدمات طرف قرارداد استفاده دهد نماید با پرداخت ۲ روز ستیزه به ازای هر ماه خدمت میتواند به خدمت طرف قرارداد خاتمه دهد ."

در حقیقت ماده ۳۳ هنوز جای خود را در این قرارداد دارد و به همراه بند ۹ قرارداد تکمیل کننده تمام عبارات ماده واحد است .

با تصویب این طرح هلا " چه تخفیری در تصمیم گیری مدیران کارفرمایان و سرمایه داران حاصل خواهد شد ؟ مگر جز این است که حرف بیشتری خواهند داشت که برای سرگردان نگه داشتن کارگران بیکار تحویلشان دهند ."

از یک طرف حق اخراجهای دسته جمعی و حتی اخراج کارگریانی که با این طرح استخدام میشوند به کارفرما داده میشود و از طرف دیگر آنها را مستحق به استخدام کارگران نمیشناسد .

دولت با این " ماده واحد " در خصوص ماده ۳۳ تنها از کارفرمایان در تعهدشان به سرمایه برای سازمان دادن اخراج کارگران حسابرسی و مدت بیشتری زامن طلبید ، چرا ؟

زیرا که ، تمامی بار بار باره کارگران را که سرمایه نصیب دولت میکند ، که دولت به تنهایی نمیتواند عهد در شود و گاهی هم لازم است اندکی از آنها ببرد و هر کل طبقه ای که خواهند آناست بیاندازد و

تقسیم کاری صورت پذیرد ، از نقطه نظر دولت تا به کی باید تمامی کارگران بیکار تنهاد کار با بیبهای دولتی ، در وزارت کار و دست در جلوی مجلس و " اجتماع کنند ، بهتراست گاهی هم برای مدتی به پراکندن این اجتماعات از مرکز دولتی و تقسیم فشار آن بین سرمایه داران و مدیران دولتی کارخانجات پرداخت .

ابتکار برای سرکوب و پراکندن صفوف کارگران را پس از قیام تمام دولت جمهوری اسلامی عهد در ایروند است و البته موجود پیش نیز در گرو انجام آن خواهد بود ولی هم اکنون لزوم درگیر شدن عملی کل طبقه بورژوازی نیز در این مسئله جزو برنامه های دولت میشود .

اما دولت جزا ندرت وقت و بهره داشتن به این مسئله در پناه ضد کارگرترین قوانین ، بند ها و مواد آنها ، چیز زیادی از کارفرمایان انتظار ندارد .

برای نمونه اگر یکی از برخورد های مشخص مدیران کارخانجات را در اینجا بیاوریم میتوانیم مسئله را بهتر توضیح دهیم . مدیران کارخانجات یا رس متال و مینو پس از ابلاغ این قانون ، دلیلی نامه رسمی به کاربایی نوشتند که :

" اگر قرار است که این ۵۰٪ بهاتحیل شود ، ما مجبوریم اخراج کارگران دائمی و استخدام کارگران بیکار میشویم . روشن است که با این " ماده واحد " چه چیزی به کارفرمایان تحمیل میشود : شگرد های نوین برای سرد و اندن کارگران ، برای تفرقه در صفوف کارگران شاغل و بیکار ، برای پیشبرد عملکردها و اهد اف ضد کارگیشان ، اجبار به سازماندهی اخراج کار-

گران میارز و کمونیست در کارخانه : کارفرمایان و مدیران کارخانهها گاه تنهایی به پیشبرد تولید و رشد و ده کوچک خود و منفعت تنها خودشان می اندیشند و آنچه برکوبین هستند که تلاش بسیاری سازماندهی طولانی مدت سرکوب مبارزات سراسری کارگران یعنی در وهله اول تلاش در جهت اخراج مد سنگری و حتی ترور پیشروان جنبش کارگری در کارخانهها آنچنان که باید تمام کمال در دستور و شان قرار نمیگیرد . بنا بر این رژیم یا این " ماده واحد " خودی کارفرمایان و مدیران دولتی را و امیدارد که بعد از از کارگران کارخانه را اخراج کنند که این عمل در محاسبات دولتی در جهت نخست کارگران میارز و کمونیست کارخانهها و بجای آنها کارفرمایان یا برآمده می کنند کارگرایان را که وزارت کار معرفی میکند .

استخدام در آورند . بی سبب نیست که فرمهای که در کارخانهها برای برگردن به کارگران مراجعه کنند میدهند ، تماما در خدمت تفتیش عقاید و ارزیابی از میزان مبارزات کارکنان است .

برای برگردن به کارگران مراجعه کنند میدهند ، تماما در خدمت تفتیش عقاید و ارزیابی از میزان مبارزات کارکنان است . گران تنظیم شده است . برای نمونه در گفتن ملی ، پیشینه سازی میثا و چندین کارخانه در بزرگترین مضمون این کشور است .

به کارگران داده شده است .

۱- برایمان نماز خوانید . ۲- قرآن بخوانید . ۳- آداب و آداب کمونیستها حرف زد باید . ۴- کمونیست را چه میکنند . باید تعهد بدید که در محیط کارخانه با هم کارگری را چه به مسائل سیاسی حرف نزنید . ۵- ۱۱

در ضمن رژیم با این " ماده واحد " خودی هم از روش هایستهای پاکسازی دولتی کارخانجات برداشته و کارفرمایان و امیدارد که خود مستقیما " نیز از اخراج کارگران را در دستور کار خود داشته باشد .

اکنون روشن است که مضمون ماده واحد در رژیم جمهوری است باشد و بود و قبول اینکه رژیم جمهوری اسلامی برای تفتیش فضا بریزند گی کارگران ، و بخصوص کارگران بیکار می شود تا به خیم خیالی شمار میرود . میدانیم که چگونه و میزان تازیه نیروی کار را سرمایه بر اساس قانونمندی حرکت خود یعنی کسب سود بیشتر تعیین میکند و هم اکنون در شرایط بحران نظام سرمایه داری ، سرمایه داران و دولت بعنوان کارگران سرمایه مجبورند آنها همیشه در نظر داشته باشند که هنگامیکه سرمایه سود مطلوب خود را نمیدهد ، باید کارگران را اخراج کنند ،

دستوردها را کاهش دهند ، در کارخانه را ببندند و . . . در یک کلام گشاید استوار کارگران را برای تأمین حیات خود و سرمایه سازماندهی متداین منطق سرمایه است که حکم میکند و نمی توان از رژیم حافظ منافع سرمایه انتظار داشت که برخلاف این منطق کام بردازد هرگامی برخلاف این به مثابه آنست که رژیم باد ست خویش ، خود را به لب گور نزد بکتر سازد .

هدف اصلی رژیم در تصویب این طرح نه تلاش برای ایجاد کار برای بیکاران و نه قدم برداشتن در راه محل مشکلات کارگران بیکار و مسئله معیشتی آنها و خانواده شان بلکه تسهیل سرکوب مبارزات جنبش کارگری و عوامفریبی در جهت تسکین صفوف کارگران در مبارزه طبع بیکاری است .

تحقیق شرایط فلاکت آرزندگی کنونی کارگران و خصوص کارگران

* زگاهی به نشریه "بیکاران" ارگان سراسری کانونها و شوراهای بیکاران کشور - قسمت سوم:

دنباله دید نظرات "بیکاران" درباره وابستگی

بهرنبرد اری از آن آسانتر باشد برای همه سرمایه داران مناسبتر است *

چه چیز نیروی کار را از آن ویرانگر کند؟ بنظر من منظور باید از کسوت های بود نیاز کارگران برای ادامه حیات، از آن و فراوان باشند و از سوی دیگر مبارزات آنان برای بهبود شرایط زندگی با قدرتی هرچه تمامتر سرکوب شود. همین دو عامل کافی است که باعث شود که وابستگی به سرمایه اری جهانی بقدرت های امپریالیست خواست مشترک همه سرمایه داران در ایران باشد. زیرا نه تنها برای مورد احتیاج کارگران هدف تا "از خارج ایران تشریح شهید میشوند و دولت سرکوبگر کارگران نیز جز در وقت های متکسبی بصر امپریالیسم، چیزی دیگری نمایی نتواند باشد. * * * بیچینت نیست که پس از دو سال وقتی سرمایه داران بهوش آمدند آنگاه از آن اختیارها و پالیسی ها و ویسی ها با وجود آنکه ما همیشه را می شناسند، مدافع میکنند *

پس سرمایه دار ایرانی، تا آنجا که سرمایه دار است، در از آن زان بودن نیروی کار زیاد بودن نرخ استثمار کارگران در نتیجه است. بنا بر این مدافع و خواهان حفظ وابستگی سرمایه داری ایران به سرمایه اری جهانی و سلطه امپریالیسم است. * حال ممکن است بگویند کارگران میتوانند هرگز راه ممکن را نمانند. * بنا بر این کارگران باید چنان فشاری برد و سرس مایند از آن بیاورند که آنها مجبور شوند برخلاف میلشان و مخالف فشان و وابستگی سرمایه اری ایران را از خارج قطع کنند و تا آنجا آنرا خارج بحد اقل برسانند *

بسیار خوب، فرض میکنیم بتوانیم سرمایه اری مستقل و بدون اتکا به خارج را در ایران مستقر کنیم. * آیا در این صورت چه چیز باید کارگران را خواهد شد و تحقق که امیت از خود ستهایشان آسان خواهد گشت؟

بهبود شرایط زندگی، همیشه خواست کارگران بوده است و میتواند یکی از عوامل افزایش توان مبارزاتی کارگران باشد. * آیا تحت نظام سرمایه اری مستقل در شرایط زندگی کارگران بهبودی دی حاصل خواهد شد؟

بنظر من نیست که نشریه بیکاران هم مانند بسیاری از جریانهایی دیگر معتقد است که اگر سرمایه اری در ایران روی پای خود بایستد، وضع معیشتی کارگران بهبود خواهد یافت. * چرا که به عقیده آنها شرتهای ایران که اکنون به یغما میرود در اصل ایران خواهد ماند و بهر حال سهم عادلانه ای از آن نصیب کارگرها خواهد شد *

این تصوریک خیال خام است. در نظام سرمایه اری (چه وابسته چه غیر وابسته) سهم کارگران از تولید مزه است. * مزد در برابر است با ارزش مجموعه ای از کالاها که این نیروی کار را از آن

نشریه "بیکاران" (ارگان سراسری شوراهای کانونهای بیکاران) معتقد است که " غلت اصلی بیکاری و وابستگی اقتصاد دی است" و راجع بیکاری را نیز قطع وابستگی میدانند، اما در بخش اول این مقاله نشان دادیم که بیکاری ناشی از وابستگی نیست بلکه عارضه طبیعی و همیشگی سرمایه اریست و در بخش دوم نشان دادیم که نظر "بیکاران" درباره حل مسأله بیکاری چگونه ما را به همدانی با بورژوازی میکشاند و معلوم در مورد اهمیت و جایگاهی که مبارزه در جهت قطع وابستگی اقتصادی و خود کفایی برای کارگران و زحمتکشان دارد نیست. * بتفصیل سخن گفتیم؛ اکنون در ادامه بحث میپردازیم به اینکه آیا اصولاً امکان دارد تا "استقلال" (حتی با فقهومی کسه "بیکاران" از آن در نظر دارد) در نظام سرمایه اری متحقق گردد و به فرض محال تحقق این "استقلال" آیا چشمساز "استقلالی" میتواند در خدمت بهبود شرایط مبارزه طبقاتی بولناریا قرار گیرد. یا خیر؟

x x x x x x

حال با این تفاسیل، میخواهیم بدانیم که آیا در حال حاضر، کارگران ایران وظیفه دارند در جهت عدم اتکا ایران بخارج، ایرانی که فعلاً "متعلق به دشمنان آنهاست" مبارز میکنند؟ اگر ثابت شود که عدم اتکا بخارج میتواند به پیروزی مبارزات کارگران و زحمتکشان یاری رساند یعنی میتواند امکان و تسوان مبارزاتی آنان را افزایش دهد، پاسخ باین سؤال قطعاً مثبت خواهد بود و در غیر این صورت منفی *

پس بیایید فرض کنیم که سرمایه اری در ایران باقی بماند، اما اتکا ایران بخارج به حد اقل برسد و سرمایه اری اینسران "مستقل" بشود. * میخواهیم ببینیم چه چیز باید کارگران خواهد شد؟

قبل از اینکه ببینیم چه چیزی باید کارگران میشود میخواهیم خیالتان را از یک چیز راحت کنیم و آن اینست که خود این فرض یعنی حاکمیت سرمایه اری در ایران، اما "مستقل" محال است. * به این دلیل میگوئیم محال است که بتوانیم ثابت کنیم که همه سرمایه داران هم از بزرگ و کوچک در وابسته بودن ایران بخارج، بهتراست بگوئیم به سرمایه اری جهانی و امپریالیسم دنبغندند *

سرمایه، سرمایه است، چه بزرگ باشد چه کوچک؛ چنانچه باشد، چه خارجی، بدنبال سود میرود. * مثلاً سود سرمایه دار از ارزش انانافای است که کارکرد زمین تولید کالا، تولید میکند کارکنان نیروی کار را مثل یک کالا میفروشد بنا بر این هر چند رکسه این نیروی کار که مثلاً تولید ارزش و سود است از ارزشش است

دنباله رد نظرات . . . از صفحه ۵

و آماده کارنگه میدارد . خلاصه کلام اینکه طبقه کارگر، تحت نظام سرمایهداری فقط آن مقدار سهم میرسد که بتواند زنده بماند و کار کند . شرایط این زنده ماندن را خود کارگران از طریق مبارزه دائمی باید تعیین کنند . عادلانه در نظام سرمایه‌داری یعنی همین ! بیش از شدن ایران از خارج ، هیچ خللی به این قانون وارد نمیشود ، در آن صورت هم باز همچنان کارگران برای زنده ماندن باید مبارزه کنند .

در مورد غارت ثروت‌های ایران هم باید بگوئیم ، آنجا که کارگر مزد خود را میگیرد و محصول کارش را به سرمایه‌دار تسلیم می‌کند ، در واقع دسترنجش و ثروتی که تولید کرده به بیغمارت اسست . اینکه بکار بیغمارت دست و در حلقوم چه کسی جای گرفته است بسیاری کارگر علی‌السویه است . این ادعا که سرمایه‌داران ایرانی ، اگر از خارج بی نیاز شوند ، ثروت را بحدود لانه‌تری بین خود و کارگران تقسیم میکنند ، فریبی بیش نیست و کارگران هرگز گول آنرا نخورند .

پس سرمایهداری مستقل (حتی اگر علی‌شود) بخودی خود هیچ بهبودی را در وضع محیشت کارگران بوجود نخواهد آورد و آنزلمان هم گمافی السابق بهبود وضع زندگی کارگران درگسرو مبارزه آنها باقی خواهد ماند ؟

حال سؤال این است که آباد رانزبان کارگران تسهیلات بیشتری برای مبارزه نخواهند داشت ؟ باحتما، قوی جواب نشده به بیکاران به این سؤال مثبت است . ما بخوبی میدانیم که بیکاری میلیونی کارگران در شرایط فعلی به یکی از فواید ترسند مبارزات آنها تبدیل شده است و نشریه بیکاران معتقد است که در "سرمایهداری متکی بخود" بدون دلیل اساسی برای بیکاران و وسیعاً "کار ایجاد خواهد شد" اولاً : به این دلیل که ورشکستگی کشاورزی در ایران از میان خواهد رفت و بازونق گرفتن کشاورزی عده زیادی بکار مشغول خواهد شد . ثانیاً : با معاد تحت از ورود و کاربرد تکنیک خارجی امکان اشتغال بکار کارگرانی که تا آنها را ماشینهای پیشرفته و اتوماتیک ببرد ، گرفته اند ، فراهم میشود . (نشریه شماره ۲ بیکاران این نظرات را با صراحت بیشتری عنوان کرده است)

ببیانید هر دو و این دلایل را موشکافی کنیم :

۱- نشریه بیکاران تصور میکند که اگر در ایران آندسته از سرمایه‌داران سرکار بیایند که وابسته به امپریالیسم تپا شدند ، دلایل نیاستند ، نوکرها را جسی نباشند و . . . کشا و رزی در ایران احینا "مشهور" ، رونسوق میگیرند و بخش وسیعی را به استخدام خود در می‌آورد . این تصور نشریه به بیکاران از اینجانشانی میشود که او ورشکستگی کشاورزی را توسط امپریالیست‌ها وصال داخلی آنان میداند و نه نتیجه منطقی رشد سرمایهداری در ایران !

نشریه بیکاران صراحتاً "میگوید که امپریالیست‌ها برای هر چه بیشتر وابسته کردن ایران ، این بلا را بر سر ما آوردند . پایسد بگوئیم نشریه بیکاران حتی الذیای قانئمندهای سرمایه‌سرمایه‌داری را هم نمیداند . یامید اند ورنه برونه بروی خود نمی‌آورد .

شاید هم نویسندگان آن زیاد رمانتهای پلیسی میخوانند ! آیا واقعاً " برای نابود ساختن کشاورزی در ایران توطئه ای جهانی در کار بوده است ؟ خیر ، اینطور نیست . باز هم برای توضیح دادن این موضوع از اینجاشروع میکنم : سرمایه ، سرمایه‌داری است و بدنبال سود حرکت میکند . هر بخش از تولید که سودند آورتر باشد ، سرمایه به آنجا میرود . خود تولید و محصول آن با بد برای سرمایه‌دار مطرح نیست ، اعم از اینکه سرمایه‌دار وطنی باشد یا خارجی ، محصول را برای مبادله و فروش میخواهد . پس برای سرمایه‌دار ، سرمایه‌گذاری بهیچ وجه بُعد اخلاقی و بشری و ستانه و غیره نمیتواند داشته باشد . این تصور که سرمایه‌داران و دانشی سرمایه‌دیشان را برای تولید کالاها بی‌بکارت می‌اندازند که " وطن" بد آنها نیاز ندارد ، حماقتی بیش نیست . آنها فقط بدنبال سود هستند .

اگر این نکته را خوب درک کرده باشیم پاسخ سؤال بالا براساس بیان کاملاً روشن خواهد شد ، علت اینکه کشاورزی در ایران رونق نگیرد ، به این دلیل است ، چیزی جز این نبود که " سود" در بخش تولیدات کشاورزی از بخشهای دیگر کمترین تریود و هنوز هم مست از سرمایه‌پریم ، "ساز و فروشی" درخول در دهه اخیر پرسودتر بود یا "یونجه‌کاری" ، تراشکاری در اثرکردن بیرونه‌تترتند یا خلوتکاری ؟ نامیونداری پرسود تریود یا باغداری

همه ما میدانیم که " کار" بد ثروت است و طبیعت " مادر" آن . و سرمایه‌دانه " کار" را در اختیار دارد و هم مواهب طبیعی را بتملك خود درآورد ، است ، ایند وارد رجائی بحدت هم درمی‌آورد که فرزند ان بیشتری را برای اونه ارمان بیاورد .

ایران کشوری کم آب است . نیمی از زمینها شورتر است و شیمی دیگر سنگلاخ . محصولات کشا و رزی در ایران ، به نسبت سایر نقاط حاصلخیز جهان ، گرانتر تولید میشوند . در عصر ما ، یعنی عصر امپریالیسم که با زار هم جهانی شده است ، تولید کنندگان محصولات کشا و رزی کدر ایران سرمایه‌گذاری کنند در هرصه رقابت ازرقبای خود شکست خواهند خورد . اگر نتیجه عکس این بود ، یعنی اگر ایران کشوری مناسب برای تولید محصولات کشاورزی بود ، ما بشما اطمینان میدهم که علاوه بر شرکتهای عربی و اروپایی نفتی مانند شل ، بی پی ، تکزاکو ، اسو . . . علاوه بر شرکتهای بزرگ ، اتوموبیل سازی نظیر کرایسلر ، جنرال موتورز و فرست سن بنز و علاوه بر شرکتهای غول آسای ساختمانی و راهسازی و سد ، ما شرکت بزرگ خارجی دیگر ، سرووله شرکتهای بین‌المللی که شخه‌بشان تولید محصولات کشا و رزی است ، نظیر "یونایتسد فروت کمپانی" هم در ایران پیدا میشوند . این شرکت و شرکت‌های نظیر آن در بسیاری از کشورهای آمریکا و جنوبی و آفریقا به منظور تولید میوه و سایر مواد کشاورزی ، سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی کرده اند . حال این بانشریه بیکاران است که بگوید چرا امپریالیست‌ها کشا و رزی آنها را د اغان نمیکند ، مگر خواهان وابسته‌تسه نگاهد اشتن این کشورها نیست ! ؟

آری اگر کشت غله هم در ایران باندازه کشت مارجویه سود آور بود ، سرمایه‌ها از اقصی نقاط جهان به ایران سرازیر میشوند ، سد های عظیم د اثر میگردند ، راه‌های فراوان احداث میشوند .

دنیا له جنگ و از صفحه ۱

بسر میبرند که مردم شهرهای سنندج، سقز، سردشت و دیگر شهرهای کردستان از ما هم قبل آنرا تحمل میگردند ؟ کارگران نورد اهواز، پالایشگاه، پتروشیمی و ... اکنون هم با رزمی راد مقابل نتایج فلاکتبار این جنگ به پیش میبرند گسسه پیش از این در دفاع از حقوق مسلم خود در مقابل زندان، جفا ق و کتوله وحشی، تانکهای رژیم جمهوری اسلامی به پیش میبردند . مردم آواره شهرهای جنوب اکنون از فلاکتی در رنجند که پیش از این بحران نظام سرمایه داری آنها را بکارگران و زحمتکشسان سرمایه داریان نپدید داد میبود .

پیش از آنکه خرمنشهر یا یورش ارتش عراق از سنکنه خالی شود، این مردمان شهر مردم قهرمان و خستگی ناپذیر بود که با یورش ارتش رژیم جمهوری اسلامی از سنکنه خالی شد . خرمنشهر پیش از سرکوب ارتش عراق کشتارک ستمجعی دیگری را به یاد دارد . مدتی در یاد ارتش جمهوری اسلامی زیر چتر حمایت امام و دولت دخلستانهای خرمنشهر از خون جوانان و زحمتکشسان خوزستان می رنگین کرده بود .

بعضیها از آنکه مردم در زفول با خیمه و پوشاک " عراقی " کشتیسه شوند ، شهر محاصره در زفول ، آند میشک شاهد کشتار کارگران بیکار بدست پاسداران اسلامی سرمایه بوده است .

پیش از کشتار سوسنگرد بوسیله ارتش رژیم سرمایه داری عراق این مردم در تان و قاتار نبوده اند که بدست پاسداران و ارتش رژیم سرمایه داری ایران کشتار شدند .

وبالا خیره این جنگ نیست که موجد شرایط فلاکتبار زندگی، موجد سرکوب و اختناق بوده است . این نظام سرمایه داری بحران زد و همکار رژیمهای سرمایه داری است که باعث فلاکت و بیکاری و بمرانی کشتار و اختناق است و جنگ نیز حاصل تلاش نا- کثیر رژیمهای سرمایه داری است که بر ایجاد این نتایج افزودند و آنها را در مقامی گسترده تر بوجود آوردند است .

نزدیک به دو سال است که رسالت بازیگری در ستاورد های انقلاب را رژیم جمهوری اسلامی برعهده دارد و اکنون رژیم سر- مایه داری عراق نیز رخد مت سرکوب انقلاب ، برای دفاع از منافع سرمایه و امپریالیسم در منطقه جنگ را به عنوان جنبه شویش در مقابل انقلاب گشوده است .

رژیم جمهوری اسلامی هم برای حفظ حاکمیت سیاسی خود ، برای حفظ حق خود در سرکوب انقلاب ، برای حفظ حسن- ستی استثمار خود ، ارتش و پاسداران خود را به جنگ با ارتش عراق کشانده است و به همراه آن در روی تدارک سرکوب هرگونه آزادی سیاسی ، مقررات و قوانین شبه حکومت نظامی را در کار- خانه ها و شهرها برقرار میسازد .

انقلابیون و کمونیستها را حتی در جنبه جنگ کشتار میکنند . برای سازماندهی هرچه منظم تر استثمار امپریالیستی فریاد گوشه خراش

تولید و تولید بیشتر را باید اختتام است . " ستون " های ارتش خود را بهم بانه سرکوب " ستون پنجم " برای قلع و قمع انقلابیون و مردم زحمتکش کردستان قهرمان می فرستند . وبالا خرمنجنگ خیرات نیکوئی برای قدرت خاکمه بهارمغان آورد است .

اما همانگونه که دشمن با جنگ، جنبه نبرد را گسترده کرد انبند است ، کارگران آگاه انقلابی جنبه دفاع از دستاورد های انقلاب دفاع از شهرهای واقعی خود ، دفاع از آزادیهایی سیاسی یکدم آمده ، دفاع از سطح معیشت خود و به یک کلام دفاع از انسان و آزادی را منتشهادت مقابل نیروهای سرکوب رژیم سرمایه داری ایران بلکه در مقابل بیورش و حشیمان ارتش عراق ، در مقابل جنگ سرمایه داریان به پیش میبرند .

مبارزه های که هم اکنون جنگ دامنه آنها هر چه بیشتر وسعت می بخشد .

اینکه دامنه فلاکتی که قبل از شروع جنگ با بحران نظام سرمایه داری گریبانگیر کارگران و زحمتکشان بود ، پیش از پیش از افزود شده است . باران فلاکتی که با بحران آغاز بارسدن گرفته بود با شروع جنگ به سیل بنیان کنی تبدیل شد تا حدی که ضرورت مقابله با آن صد چندان میشود .

بیماران پالایشگاهها ، مراکز صنعتی ، کمپون مواد سوختی و شرایط جنگ در مجموع خود را در تشدید بیکاری ، فقر و فلاکت آشکار ساخته است . از یکطرف کارگرانی که با ویران یسا بسته شدن کارخانهها بیکار میشوند ، هر روز افزایش می یابند و از طرف دیگر کمبود مایحتاج عمومی ، تقلیل دستمزدها ، افزایش ساقط کار همه و همه با تلاش رژیم سرمایه داری برای سازماندهی افزایش شدت استثمار فشاری غیر قابل تحمل را بر گرد کارگران وارد می آورد .

کارگران آگاه و انقلابی !

ماتای اینجانشان دادیم که منشأ فلاکت ، منشأ بیکاری ، منشأ سرکوب ، مبارزه انقلابی ، جنگ نیست ؛ این نظام سرمایه داری است که موجد بیکاری ، فلاکت و ... و خود جنگ است . تا زمانیکه این نظام با برجاست تا زمانیکه حافظین این نظام یعنی بورژوازی قدرت سیاسی را بدست دارد ، جنگ نیز به عنوان واقعیتی گریزناپذیر وجود خواهد داشت و هر آن مسارا ، دستاورد های انقلابیان را وند اوم مبارزه انقلابی را تهدید میکند .

اما هم اکنون جنگ رژیمهای سرمایه داری ایران و عراق ، جنگ سرمایه داریان ، دامنه فلاکتی را که بحران نظام سرمایه داری پیش از این نپدید آنرا داد میبود ، آنچنان گسترده کرد انبند است که خود بروسعت و صفی بحران نظام سرمایه داری افزود است . آنچه تا دیروز میتوانست با تحلیل رفتن موقتی حرکتهای خود بخودی " بیتکاران " نادیده مانگاشته شود ، امروز بیکر تبدیل به آن آتشفشان میبوی شده است که همه را برای مقابله با خود به مبارزه فرامیخواند .

مرگ بر سرمایه داری / مرگ بر امپریالیسم

دنیای کار و ... از صفحه ۷

از یک طرف افزایش بیکاری و افزایش تعداد غریبه‌بیشتران کارگران به صفوف بیکاران خسارت مبارزه با آن را بیش از پیش می‌رساند. و از طرف دیگر جنگ مبارزه طبقاتی را حواس گسرده است. بیکاری نقطه ضعفی است که بورژوازی به افتخار آن مانند می‌یابد تا فخر و توازن در صفوفشان را بشکند و مبارزه را به سازش و انحراف بکشاند. بنابراین برای پیشبرد هر چه بر توانم مبارزه با انقلابی کارگران، مبارزه برای رفع نقاط ضعف و در صفوف کارگران، مبارزه بر طبقه بیکاری ضرورت می‌یابد. ما به جهت در مورد حساس شدن مبارزه طبقاتی بوسیله جنگ و ضرورت مبارزه بر طبقه بیکاری بعنوان مبارزه برای رفع بانی از نقاط ضعف صفوف کارگران در مبارزه طبقاتی راد رأینده دنبال خواهد هم کرد.

اماد را اینجا برای هر چه روشن تر شدن این واقعیت که چگونه جنگ پر خیل بیکاران افزوده است. چگونه بیکاری راد را بحاد بسیاریا هشتتانی شده است و برای ناکند بیشتری بر ضرورت مقابله با آن خبرهایی را تا آنجا که آنرا از نزدیکاننا هند بود ما می‌توانیم اخبار را بدست آورد ما می‌توانیم از بیکار شدنهای کارگران در مناطق جنگ زده و سایر نقاط کشور، از اخراج و پاکسازی گرفته تا بستن شدن و ویرانی کارخانه می‌آوریم:

۱- پس از شروع جنگ، ایران و عراق و جیرمندی شدن بنزله بین متحدان زیاد از بیکاری که با هزارید بختی ماسینسی شده کرد هیدند و "مسافرکشی" میزدند و زندگیشان را با هزار سختی از این راه میگذراندند اکنون همگی از این عرصه بیکاری بهمان نیز رانده شده‌اند.

۲- تنهاد راهوازی را متعطل شدن شرکت وسگون (کسه پیمانکاران آن واپنی وهلندی بودند) حداقل ۲۰۰۰ کارگر گریکبار بیکار شده است. در ضمن لازم به تذکر است که این شرکت در سایر شهرهای استان خوزستان نیز شعبه دارد.

۳- شرکت والکون در شوشتر با بیکاری ۱۵۰۰ کارگر مونتازار در اثر جنگ تحلیل شده است و کارگران آن بدون کوچکترین حقوق و مزایای بیکار گشتند.

۴- مجتمع فولاد انوار با بیش از ۸۰۰۰ نفر کارگر و کارمندی در حملاتی که از طرف رژیم می‌یابند اری عراق صورت گرفته مشخص خسارات زیادی داشته و مجتمع نیز بحالت تحلیل درآمده است. وحشی در رینگ حمام هوایی تعدادی از کارکنان این مجتمع بسته شده‌اند.

۵- پالایشگاه آبادان، پراش مباران تماما "از ناافتاد" نفته میشود و این عبارات خواهد بود. ۴۰ تن از کارکنان پالایشگاه کشته شده‌اند.

۶- شرکت ساد لمی که یک شرکت ایرانی است و برای توانیر کار میکند در تاریخ ۵۹/۷/۱۷ تمام کارکنان خود را

اخراج کرده و بدلیل آنرا نیز شرکت کارکنان ایرانیانی آن اعلام نموده است.

۷- شرکت نفت و مناطق نفت خیزه اخیرا "بلی بخشنا میز ایلام کرده است که بحالت تحلیلی شرکت کارکنان می‌باشد. سخت به برخی نامحدود رفته و تمام خواست شرکت بنسار باز کرده اند. در رتاریانی که فضا رزق می‌دهد آن مکتب مبارک این وزارتخانه این چنین با سرکوت کارکنان و زدند از بازی می‌کنند.

۸- پالایشگاه تبریز نیز تاکنون چند بار بسته شده و این امر برای عراقی بهرامین شده و خسار ناچاپی ترجمی دیده است. قسمت‌های آن کاراماده است. در این بهمانها به بدترین تعدادی از کارکنان پالایشگاه شهید مبارکمی شده‌اند.

۹- کارکنان ساختمانی که ارد و آذربایجان در زمان آنها زیاد است بحالت سخته و بیرون کار، مبارزات کرده‌اند. کارگران حفاری کارخان صنعت و تحت فشارهایی هستند. شرکت کار و حفاری مضافت حق ۱۰۰ تومان تا اتم تا شهر راترک کشید. دنبال ترش می‌کنند. (به نعل از "پیرنامه جنگ" سازمان سازد راه آزادی طبقه کارگر)

۱۰- مدیرعامل فروشدهای زنجیرهای قدس ۱۵۰ نفر از کارکنان را بحالت اینکه استعدا می‌باشند اخراج نموده است. این عدد اکنون از تقریب بیکاری به نشت آمده‌اند. در همین شرایط وزارت کار از ارتزان میخواهد تا اضافه کاری کنند. همین شرایط کار را دایمی تر نمائید تا تولید بیشتر بخارج آن کمتر باشد. (به نعل از "زمین کار" ارتزان سازمان رزق کارکنان آزادی طبقه کارگر، شماره ۳۷)

۱۱- به کارکنان سپید رو که اشرا "هریک ۱۱۲ ساعت اضافه کاری دارند، دستمزده اضافی کاری می‌باشند رانند اختصاص اند. به همین دلیل آنها با سه هفتی بوسیله دفتر مرکزی کارخانه رفته و خواها ن گرفتن اضافه کاریها بشان میشود. مدیرعامل شد کارگر میگوید بخاطر اینکه مملکت در حال جنگ است نصرتا نیم به شما اضافه کاری می‌باشند از این وجه اضافه کاری هم از طرف استناد آمده که اضافه کاریها کلیه می‌باید قطع شود. (به نعل از "بیکار" ارتزان سازمان بیکار راد آزادی طبقه کارگر)

۱۲- حدود سه هفته است که شرکت گمش بجم در اثر نرسود سرخمت و مواد خوابیده است و کارکنان شرکت بدون آنکه کاری داشته باشند به کارخانه رفته و در آنجا می‌نشینند این روزها سازمانها و عوامل آن شایعه کرده‌اند که کارکنان نباید حقوق بگیرند زیرا حرام است! یک کارگر زن که این خبر را شنیده بود در حالتی که گریه میزد میگفت: "خدا طمین این جنگ را دلیل کند. که ای این حقوق حرام است؟ ماکه روزی عنت روی این را بویستیم و بیاد رد و کمرد گرفته ایم، گرایمانا زکجا بیاییم بول شبر جظام را زکجا بیاییم و ... کارکنان این شرکت

کارگران شاغل کارگران بیکار اتحاد علیه بیکاری

دنیای جنگ و..... از صفحه ۸

همگی مضطربند و نگران آیند. خود و خانواده شان هستند. (نقل با تلخیص از "بیکار" ارگان سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر)

۳- کارخان روغن نباتی تاب بدلیل نرسیدن مواد اولیه از گمرک خرمشهر تعطیل شده است و کارگران هر روز بیکار و اذیت رفته و در آنجایی نشینند. گویا قرار شد تا است فعلا "به کارگسران این کارخانه حقوق پرداخت کنند. بحالت نرسیدن مواد اولیه و تحویل سایر کارخانه های روغن نباتی، خطر بیکاری کارگسران این کارخانه ها را نیز تهدید میکند.

۴- شرکت ساختمانی ماستیک در تهران تعطیل و کارگران آن بیکار شده اند.

۱۵- شرکت صنعتی کفترسازی بلا بدستور هیات مدیره یک هفته تعطیل شد. علت تعطیل شدن کارخانه کمبود سوخت که بنزین است. اس است و برای سوخت هواپیماهای فانتوم میبرد میباشد. با ادامه جنگ تعطیل دائم کارخانه و بیکاری کارگران بسیار محتمل است. (نقل با تلخیص از "کار" اقلیت)

۱۶- به نرسیدن گونی که بدلت جنگ میبرد و بره تر، آیدان شده اند. فقط بیکار حقوق و آن هم بیکار پرداخت می کنند.

۱۷- با شروع جنگ ایران و عراق و جیره بندی شدن بنزین، مسافرکشان شخصی که با تهیه کردن ماشین با هزارید بختی زندگی بخور و نمیزی را می گذرانند از کار بیکار شدند. اما این زحمتکشان مسلما نمی توانستند دست روی دست گذارند و به این

شرایط جدید تن دهند. از این رودست به اعتراض و اعتصاب زدند و فشار سرمایه را با مبارزه پاسخگوشدند. مسافرکشان شخصی در صبح روز شنبه اول آذر در خیابان سپند - اجتماع کرده و با شعارهای مختلف بخصوص

شمار "مرگ بر جایی" بملفوظ نخست وزیر حرکت کردند. اما همانطور که انتظار می رفت با ردیگری با ساران سرمایه برای انجام ولیف خود یعنی دفاع از قوانین سرمایه داری و سرکوب زحمتکشان سر و کله شان پیدا شد.

در حوالی خیابان صدق پاسدا - ران ارتجاع از هر سو صف را بر ما سره گرفته و با قنداق و - ۳ به صفوف زحمتکشان یورش بردند و در مدت کوتاهی ۶۰ نفر را بازداشت کردند. براساسی که رژیم جمهوری اسلامی نشان داده است که در سرکوب زحمتکشان

دست کمی از رژیم آریا مهر مزدور ندارند. اما رانندگان آریا نشستند و فرمای آن روز جمعی حدود ۱۵۰۰ نفر در مقابل ساختمان شهرداری تجمع کرده و خواهان رسیدگی

بوضعشان می شوند. آنها می گفتند ۱۵ - لیتر بنزین در روز آنهم لیتری ۳ تومن ه که نردی را روانی کند تازه علاوه بر این - روزی ۲۰ تومن هم باید به شهرداری تحت نام عوارض عیاج بدنیم. شخصی کاران به شهرداری می گفتند که اگر ما مخارج استهلاک تما دفات ۱۰۰۰۰ را حساب کنیم چیزی بر ایمان نمی مانده که تازه شما اینقدر هم "منت" می خواهید بگذارید که ۱۵ لیتر بنزین به شما داده ایم. این ۱۵ لیتر بنزین بیکار خودتان ما حاضریم شما روزی ۱۰۰ تومان به ما بدهید و مدارج ما همین را خود تقبل کنید. اما شهرداری با عدم قبول این درخواست و برای چندمین بار به زحمتکشان نشان داد

که هدفش خدمت به سرمایه داران و دولت آنها میباشد و نه حل مسائل توده های مردم. و بدین ترتیب افراد متفرق شدند و قرار گذاشتند تا روزها بعد و با تعداد بیشتری به شهرداری مراجعه کنند.

دیگر زحمتکشان میهن ما هم باید همچون بران را نند. این سرما بل فقر و فلاکت ناشی از بحران نظام سرمایه داری که جنگ آنها تشدید می کند سر تسلیم فرود نیامورده و به مقابل با آن برخیزند.

اینها تنها انعکاس بخشی از خصایب جنگ سرمایه داران بر دوش کارگران است. مردم مناطق جنگزده، نازگران، روستا - میان زحمتکشان که با از دست دادن کار و مسکن شمان امکان دیگری برای تامین معیشت ندارند. در شهرهای دیگر آواره شده اند.

و این در حال است که رژیم جمهوری اسلامی که بنا بر ماهیشتن اقدامی برای بهبود اوضاع کارگران و زحمتکشان انجام نمیدهد. همدامد دارد تا هزینه های جنگی برای حفظ حاکمیتش را - آنهم با ریودن حداقلی بخور و نمیزی که کارگران و زحمتکشان با آن سر میکنند - افزایش دهد.



کارگران آگاه و انقلابی! کارگران شاقسل!

نمی توان و نباید جبهه مبارزه را تنها "جبهه جنگ" دانست و از جبهه دیگری بر طبعه دشمنان طبقاتی مان بر طبعه سرکوب - بگران انقلابان غافل شدد. نمی توان و نباید چشم خود را بر واقعیات آشکار انگیز ناشی از جنگ و آمار و ارقامهای مردم فزاینده از تعداد بیکاران و وخت در عین آنکه نقش خود و نیروی عظیم طبقه خود را در مبارزه با آن از یاد برد.

دنیای سرمایه از صفحه ۳۰

ما این سند را منتشر میکنیم تا هم آنان که میخواهند در کنار ما مبارزه کنند تکلیف خود را بدانند و هم ما تکلیف خود را با آنان که از این اتحاد و مبارزه طفره میروند، بدانیم!

* * * * *

نقد بر سه اینکسه :

۱- وجود دائمی ارتش ذخیره کار، یعنی توده وسیع کارگران زحمتکشان بیکار، بعنوان عاملی در رخد مت پائین نگه داشتن سطح معیشت کل طبقه کارگر، از خصیصه های عام و ذاتی شیوه تولید سرمایه اری است و هر بحران نظام سرمایه اری بیکساری را بنحوظ می آید می کشد، از اینرو بیکاری مشکل فردی و تصادفی کارگران نبود و مبارزه بر طبقه بیکاری جزئی از مبارزه کل طبقه کارگر است و یگانه راه حل قلمی آن نبود کردن شیوه تولید سرمایه اری است.

۲- بیکاری وسیع و شدید در ایران از عوارض بحران اقتصادی سرمایه اری است که در کشوری تحت سلطه امپریالیسم جسون ایران ایجاد اجتماعی آن هر چه وحشیانه تر و وسیع تر بروز می کند، رژیم فعلی که وظیفه حراست از سرمایه اری بحران زده را بر سر عهد و دارد قادر به حل مساله بیکاری نیست.

۳- بحران اقتصادی سرمایه اری ایران موجب موقعیت انقلابی بی سال ۵۶ به بعد بوده است، از آنجا که این انقلاب را ادامه خود منجر به یکسره شدن مساله قدرت سیاسی در جامعه نگشته است، بحران اقتصادی فروکش نکرد و مبارزه و جنبش کارگران بر طبقه بیکاری - که زیارترین عوارض این بحران است - در شرایط مشخص امروزی می تواند به مبارزه های تدافعی برای کسب اختیارات در چهار چوب نظام موجود محدود و متناهی باقی بماند. انقلابی میباید عملکرد کارگران (و بویژه کارگران بیکار) از یکسوسر سرمایه اری و دولت آنها از سوی دیگر هم اکنون بایستی ضرورت را آشکار ساخته است. کارگران جز با فشاری برخوردارند، های خود و اعتلای شیوه های مبارزاتی و دولت بورژوازی جسمز سرکوب چاره ای ندارند.

۴- از این رو این عرصه مشخص مبارزه، زمینه مهمی برای افشاگری از ماهیت طبقاتی و ضد انقلابی رژیم و تبلیغ و ترویج و سازماندگی کمونیستی کارگران فراهم میکند.

الف - بیکاری فقط مشکل بیکاران نبود موشهدیدی دائمی برای کل طبقه کارگر، عام از شاغل و بیکار است.

ب - کارگران بیکار نمیتوانند تنها به تنهایی نیروی خود (توده بیکار) سرمایه اری و دولت آنان را تحت فشار تعیین کنند وای قرار دهند.

ج - مبارزه بر طبقه بیکاری نمی تواند تنها با نیروی کارگران بیکار به مبارزه ای با خصلت عام طبقاتی تبدیل شود، یعنی به جنبه های در مبارزه کل طبقه کارگر بر طبقه کل سرمایه اری و حکومت آن بدل گردد.

د - لذا تنها با وحدت عمل کلیه بخش های کارگران، چسه

شاغل وجه بیکار است که مبارزه بر طبقه بیکاری متان خود را در مبارزه طبقاتی کارگران میباید و تنها از این طریق است که می تواند به مبارزه ای طبقه عامل اصلی بیکاری، یعنی مبارزه طبقه سرمایه اری و رژیم حافظ آن تبدیل شود. همچنین تنها به نیروی اتحاد کلیه کارگران - عام از شاغل و بیکار است که میتوان طبقه سرمایه اری و حکومت آن را به عقب نشینی واداشت و از جهت اصلاحات موشری را بدان تبدیل کرد.

لذا " گمیتها ایجاد اتحاد کارگری طبقه بیکاری و وظیفه خود میدانند که :

۱- الف - برای جلب نیروهای کمونیست و انقلابی به شرکت گسترده و فعال در مبارزات کارگران علیه بیکاری بعنوان یکی از مهمترین جنبه های مبارزه طبقاتی و حمایت نیروهای مترقی از این مبارزه ضروری است.

ب - در رخد و نیروها مکنات خود در مبارزات کارگران علیه بیکاری شرکت کرده و در رجم و گسترش و فعال نمودن این مبارزه رگت یابند.

ج - ضرورت اتحاد کارگران شاغل و بیکار را مستهرا تبلیغ نمایند و متحد شوند.

د - تنها اتحاد کارگران شاغل و بیکار میتواند با استفاده از راه های سیاسی سابقه اقتصادی سرمایه اری و دولت آنها را تحت فشار تعیین کنند وای قرار دهند.

ه - تنها اتحاد کارگران شاغل و بیکار میتواند سیاستهای تفرقه افکنانه سرمایه اری و رژیم را که کارگران شاغل و بیکار را بر سر طبقه یک یکتر می کشد، می کشد و سیاست ایران را در مبارزه مشخص سازد. بدین ترتیب کارگران شاغل قرار می دهند و رژیم گزارت و همفوات کارگران را متشکل و یکپارچه نمایند.

و - همه کارگران شاغل و بیکار " نقشی کلیدی در تولید اجتماعی دارند و میتوانند و می باید برای مقون دانستن رژیم کمونیست کارگران بیکار و اخراج و اعتسای از فشار اقتصادی دولت - سرمایه اری و حکومت آن تلاش کنند تا از این طریق :

اولاً - از مسازش کنند متحدان مبارزه بیکاران تحت فشار شایق اقتصادی جلوگیری شود.

ثانیاً - آگاهی طبقاتی و وحدت مبارزاتی کارگران را برقرار سازد بر سرمایه اری ارتقا یافته و تحکیم شود.

ثالثاً - رژیم حاکم را مروج و ترویج قرار گیرد و افشاگری از عملکرد و ماهیت آن تسهیل شود.

۲- الف - شعار تشکیل " اتحاد کارگری طبقه بیکاری " به مثابه سازه ای رزمند موشدیدی و متشکل از کارگران، شاغل و بیکار است. مبارزه برای تاهین معیشت کارگران بیکار و خاتمه دادن به اینسان، ایجاد کار با شرایط مناسب، جلوگیری از اخراج کارگران و حمایت از مبارزه کارگران شاغل را با تکیه بر قدرت کارگران در دستور کار خویش قرار میدهد. در این رابطه بین فعالین مبارزات طبقه بیکار و فعالین جنبش کارگری بدو روشی تبلیغ نمائید.

ب - برای تدقیق و تعریف مفهوم فعالیت آن کوشش و برای جلا انداختن و قبول شدن این مفهوم در بین فعالین مبارزه

دنباله سرمقاله از صفحه ۱۰۰

رزات علیه بیکاری مبارزه نماید *

۳- به استنادنامه " اتحاد کارگری علیه بیکاری " راتهیستسه و پیششهاد نمود همبرای صحیح و تثبیت آن کوشش و مبارزه کند *

۴- در زمینه های تشکیل و فعالیت موثر " اتحاد کارگری علیه بیکاری " را از طریق جلب حمایت نیروهای کمونیست ، انقلابی و مترقی ارتشکیل این سازمان فراهم نماید *

۵- در هر مرحله گامهای عملی که می بایست برای تشکیل این سازمان برداشته شود را معین و مشخص نمود و برای پیسه اجرا در آوردن آنها بکوشد *

۶- برای ارتقا سطح این مبارزه و پیوند آن با مبارزه سیاسی پرولتاریا که ها کمیت دولت بورژوازی را بر سر سوال کشد ، از طریق افشاکری بی ایمان و حتی الامکان وسیع از ماهیت طبقاتی رژیم و دم خواندنی اش در محل مساله بیکاری کوشش نماید *

۷- در زمین اینک مبارزه قاطعانه برای کسب جزئی ترسیسن در ستاوردهای ممکن (بیمه بیکاری ، بهبود اشت و خدمات معیاشی و ...) را بعنوان ابزار تسهیل کننده مبارزه طبقاتی لازم می داند و خود نیز در این مبارزه فعالانه شرکت میکند ، در مسورت تسلیم شدن سرمایه داران و دولت سرمایه داری به این چنین خواسته های ، چهارمیهائی که آنها را وارد اره چنین عقب نشینی هائی نمود ، است زاجه کارگران تودنج د هد و هرگونه مشی و سیاستی راکه حل مساله بیکاری را از طریق :

- ۱- الف - همکاری با دولت سرمایه داران و یا ارگانه های وابسته بدولت ،
- ۲- ب- انجام فرم و اصلاحات دولتی چهار طریق سازش با او چهار طریق اعمال فشار بر رژیم ،
- ۳- ج- و یا اصولاً " در چهارچوب نظام سرمایه داری " ممکن میدانند و تبلیغ میکنند ، به ما بهمانندی در راه اعتلای مبارزات طبقاتی و انقلابی و حل قاعده مساله بیکاری ، بی ایمان افشا و بری طرد آن از صفوف کارگران مبارزه نماید *
- ۴- د- در ارتباط با مساله بیکاری و بعنوان یگانه راه عملی قطعاً آن ، سوسیالیسم را مطرح نمود و از طریق به امر تبلیغ و ترویج سوسیالیسم بپردازد *
- ۷- به منظور انجام هر چه همسایه تر وظائف فوق و همچنین به منظور تسهیل و تسریع مبارزه با و طرد گرایشها تاقونویستی ، روزیوشستی و ... برای همکاری و اتحاد عمل میان مبارزان کمونیست در این عرصه و جلب آنان به شرکت در کمیته اجساد مبارزه کرد و بپیدا آنه بکوشد *

همانطور که گفتیم در حال حاضر قبول نهاد این سند و تصدیق بوفاد ارماندن به آن شرط " اصولی " پذیرش هر نیرویی است که بخواد از درون کمیته ایجاد و از طریق آن برای تشکیل اتحاد کارگری علیه بیکاری " مبارزه کند " در عین حال " کمیته ایجاد " آماد هاست با نیروهای مبارز دیگر در این عرصه وحدت عمل معینی را تعریف و تصدیق کند * شك نیست این تعهد تا آنجا است که نهائش آن اصول کلی نباشد *

ماد رسرمقاله های پیشین ، انجام " کارهایی " راکه " کمیته ایجاد " در شرایط کنونی برای بحدل در آوردن وظائف خود لازم میدانند برشمرده ایم ، اگر چه قبول یکجانبه لزوم انجام هر کدام از این " کارها " از سوی شما بخودی خود ، شما را بعنوان يك عنصر یا نیروی مبارز ، مسئول انجام آنها خواهد کرد ، لکن در هر سطحی حاضریم برحول انجام این کارها ، همکاری معینی را با هر نیروی مبارز و نه ال تعریف کنیم *

بهر حال ، آنچه کرده اید که اینها شرایط کار کمیته ایجاد " نیست ، بلکه شرایط تاریخی " کمیته ایجاد " است * مطمئن باشید که ما برای اینکه شما با کمیته ایجاد " کار کنید و باری را از روی روشن آن بردارید ، مطلقاً " شرطی قائل نشد ایم و نیی شوسم * نکته دیگر اینکه این پلاتفرم ازلی و ابیدی نیست ، قابل تغییر و اصلاح است ، مادام که تغییر نکرد ، ما ست " کمیته ایجاد " به آن وفادار است و تغییر آن (نه مبارزه برای تغییر آن) فقط و فقط از داخل " کمیته ایجاد " و آنهم با رعایت مقررات داخلی مرسوم در بحثیبران مقادور است * آنچه ملاحظه کردید پلاتفرم ما در شرایط فعلی است و از شما میخواهیم هرگونه تخطی ما را از آن ، در رشته " علمه بیکاری " و اوراق دیگری که نام " کمیته ایجاد اتحاد کارگری علیه بیکاری " منتشر میشود و بطور کلی در رابطه با اینها ، عملی و مبارزاتی " کمیته ایجاد " ما در برد و انتقاد از این را نیز بپذیرد و آن بدست ما برسانید *

پا زهم روی ، سخن ما با شما کارگران مبارز است ! آنچه در ما نخواهد بود پلاتفرم کمیته ایجاد بود * تبلیغ و ترویج عامیتهی بر این پلاتفرم است * همکاری و اتحاد ما معینی بر این پلاتفرم است ، این پلاتفرم شکله گاماد رهنه های اولیه ما را است ، اگر در شکله میبشید که همه صد های مختلف آن را قبول چند اصل کلی و عام نمایی شد فانه ، این اصول کلی عبارتند از :

- ۱- اصل بینداری ، عرضه نظام سرمایه داری است و تنها سوسیالیسم با سبب شایسته است * انقلاب و جنبش بیکاری را بوجود میاورد ، بلکه آنرا تسد بد کرده است *
- ۲- اصل بینداری فقط مسائل کارگران بیکار نیست بلکه مساله انبیل حایقه کارگران است و مبارزه علیه آن را کارگران باطل و بیکار متحداً " با " بد به پیش برند *
- ۳- رژیم نه میتواند و نه میخواهد که مساله بیکاری را حل کند * هرگونه اصلاحات در این زمینه تنها میتواند نتیجه فرعی مبارزات انقلابی ما باشد *
- ۴- مبارزه علیه بینداری ، از آنجا که مبارزه در جهت حل مساله معیشت میلیونها نفر کارگر است و از آنجا که کمک بسیاریه آنمندن کارگران از خود و همچنین ما هیت اقتشار و طبقات دیگر و یا لخصی ما هیت رژیم میکنند ، نقش بسیار مهم و غیر قابل انکاری در رسیدن شرکت بسوی سوسیالیسم دارد *

این اصول در واقع عصاره و جوهر پلاتفرم ما ست * اکنون اگر اصول و وظائف ما را میپذیرد ، ما بیعتید و با ما همکاری کنید * اگر یک عنصر شکلیانی " نیست ، از سازمانتان بخواهید که ما را تقویت کند و اگر چنین نمی کند ، از او بی راهد و مسرتانید و امید که مدت آنرا با ما و همکاران اقدام کند و ما نیز هم چنین شد ، بدین ترتیب آن اصول کلی نباشد *

توضیح در باره سوره مقاله شماره ۲

در سوره مقاله "علمه بیکاری" شماره ۱ در صفحه دوم سوره خوانیم:

"اگر کمیته ایجاد بتواند جفائیت و ضرورت تشکیل اتحاد کارگری علمه بیکاری را اثبات بکند و موفق شود حمایت محاسن سازمانهای کارگری... و همچنین حمایت سازمانهای شرقی انقلابی و کمونیست مانند مجاهدین خلق، فدائیان خلق، رزمندگان، و بیکارو... را برای انجام این امر جلب نماید می تواند گفت که به پایان راه خود نزدیک شده است و یازده ایجاد چنین سازمانی چند قدمی بیشتر نماند است."

این بند از سوره مقاله اعتقاد زیادی را باعث شده است و لازم است که توضیحاتی در این باره بدیم. این اعتقادات عمدتاً "بخاطر ذکر نام "سازمان مجاهدین" و "سازمان فدائیان" و کمیته داندان "مترقی" و "انقلابی" به این سازمانهاست. در واقع اکثر منتقدین ما زانرا مقابل اینسین سؤال قرار دادند که:

آیا شما فکر میکنید سازمان مجاهدین و سازمان فدائیان (انگیزش) دعوت کمیته ایجاد را میپذیرند؟ و برای تشکیل اتحاد کارگری علمه بیکاری مبارزه میکنند؟ آیا شما این سازمانها را "مترقی و انقلابی" میدانید؟

در پاسخ باید بگوییم: اگر میخواهیم از طولوا همراهمان دست کنیم سازمان بیکارو سازمان رزوتگان هم همانقدر ره دعوت ما میتواند بود مانند که سازمان مجاهدین و فدائیان، لکن ما "ظواهر" را در نظر نمیگیریم و در این مورد دقت کرده اند تا در این مورد:

اولاً "اتحاد کارگری علمه بیکاری" یک سازمان تودهای است که توده کارگران اعم از کمونیست و غیر کمونیست، سیاسی و غیر سیاسی میتواند در آن جای داشته باشند و مبارزه در درون این تشکیلات برای حفظ رهبری سرخ بر این سازمان باید بلا انقطاع از طرف نیروهای انقلابی و کمونیست بر طبقه رفیقیم، آثار کسوف ستم یکالیسم، لیبرالیسم و غیره تعقیب شود.

ثانیاً "انگیزش" مجاهدین و فدائیان را عناصر ساده و انقلابی و مترقی تشکیل میدهد. لذا با توجه باین دوشته این سازمانها باینها با تقوه این ظرفیت را دارند که در تشکیل این سازمان تودهای کارگری (رویه الزاماً) شرکت در کمیته ایجاد "آنحضری" رود و دولت قرار بگیرد نیز فعلاً نه شرکت کنند.

البته به زعم ما چنین عملی مستلزم راه یکالیزه شدن و تغییر در روش رهبری و تصمیم گیری این سازمانها و یا حتی نفی هر یک سازمانی آنهاست.

به علت تاکید که ما بر یافتن نمایندگان سازمانها داریم، همیشه امید می به سازمانهایی از قماش حزب توده نمیتواند در میان باشد.

پس آنچه سعادت اینست که آیا نسبت داند "مترقی و انقلابی" به سازمانهایی نظیر مجاهدین و فدائیان (انگیزش) درست است؟

باید بگوییم بنظر ما (در حالیکه ضد انقلاب در ایران حاکم است)

شاید بتوان گفت سازمان فدائیان (انگیزش) حتی در مساله آموزشین هم قرار نمیگیرد. سازمان مجاهدین خلق نیز خود را به سطح آموزشین ایزرال تنزل داده است. لذا اکنون راه نسبت داند "مترقی و انقلابی" به این سازمانها (شبه سوره) قابل اعتقاد نیست. و از تمامی نیروهای مترقی و انقلابی بزرگی و بیطلبیم.

x x x x x x

دنیاله سوره مقاله از صفحه ۴۴

ما بدین دلیل که سازمانتان در مقابل تصمیمی که به عاقبتش اثر دارد، احساس مسئولیت نمیکنید و شما نباید در برخوردتان نسبت بآن سازمان تجدید نظر کنید. در پایان مجدداً "تذکره" بدیم که پذیرفته شدن در این محل "کمیته ایجاد" مستلزم قبول پلانم است و نه لزوماً همه مقالات و موضوعات مندرج در کارگان آن "علمه بیکاری". نشریه "علمه بیکاری" در وجهت ایجاد کمیته ایجاد "مبارزه با تودهای" را تا هر جا که لازم باشد، همیشه خواهد بود و بر مواضع خود میسر در هر زمینه با تمامی خواهد بود. "علمه بیکاری" از یک طرف ما فراموشی است و باز هم خواهد رفت. از این نظر شرط آنکه مطالبی در نشریه ما چاپ شود، شما ایست که با پلانم ما در توافق نباشد. لذا از این پس مقالاتی که کاملاً "منطبق با پلانم" نیستند، کمیته ایجاد "باشند و در اینها" و مقالاتی که از آن فراتر روند، مورد و ناشری را طرز میکند که دفاع از آنها الزاماً از وظایف کمیته ایجاد نیست یا نشان نوسنت و منتشر نخواهند شد.

☪ ☪ ☪

دنیاله گزارش از ... از صفحه ۴۴

ملازمینان حکم اجرا چند رایی گرفت و بعضی در دست آوردن دل کارگران کرد.

کارخانها را سرور آرام است. عدالیمان گروه گروه کارگران را به دفترش میخواند. کارگران پیشروید تویی میکند. اعضای اینجمن اسلامی نه شدند. بلکه متفرقه بر طبقه کارگران پیشرو سم پاشی میکنند. کارگران پیشرو باز هم بد نمائند روی کارگران در دارند. اما همیشه با قند رانمی بینند و کارخانه بزودی شد. هدایا خرج خواهند بود.

اکنون کارگران آگاه و انقلابی آگاه باید با افسارگریهای متفرخود با سازمانهای کارگران آگاه و مبارزه کارخانها تثبیت استوار است. و با توجه باین مبارزه و انتقال آن بد بکارگران، مانند آنکه از مهربانی مقابله ناکستین و اجاره کارگران مبارز کارخانه، مقابله باجسته شد. کارخانه انقلابی دستوری است. و با توجه برای مقابله باجسته، در این کار بکند سرمایه و دولت مدعی است. دولت و دولت و ... به سازمانهای انقلابی است. در دست سرمایه جنت یاد است با توری. در این مورد، بزرگتر آنها است.

دنیالرد نظرات ... از صفحه ۶

دند، سیلوهای سرملک کشید، تدارک میدیدند و ایران را انبار غله جهان میکردند. آنوقت دیگر نترسیدیم بیکاران چه داشتند که در مدت امیرالایم و وابستگی به آن بگویند؟

لکن حرفهای ما نباید چنین تصویری را بدست دهد که گویا ما منکر تازشهای دولتهای ایران بمنظور رهم گویند بخش کشاورزی هستیم. ما خود شاهد بودیم که رژیم گذشته چگونه ناگهان تصمیم گرفت "دشت آرون" این منطقه حاصلخیز استان فارس را به پارک شامخناهی تبدیل کند، و به این منظور پیشرفته دانشمندان را مجبوره ترک د یار خود میکرد. حتی شکار گراز را ممنوع کرد، بود تا گرازها هم در ویش بدوش نماند ارمبا از طرف ایران کردن زمینهای مرزوی، هرچه زودتر منطقه را از سکنه خالی کنند.

اما رژیم چرا چنین میکرد؟ آیا به این علت که اربابان در کشور داد و بولاق؟ همه شهادت میدهند که دولتهای سرمایه دار نقش مهمی در برقراری زمینهای تولید بعهده گرفتند. سازمان برسد تا ه سالهاست که جز "لاینگ" دولت در ایران است. این سازمان زمان با برنامه زمینهای بلند مدت ۷ ساله ۱۰۰ ساله و ۱۵ ساله و غیره به حرکت سرمایه ها سمت بخشهای معین باد اشتغال چشم انداز مشخص جهت میداد و میداد. بورژوازی پیشرفت کرده است. از سرانهای نمرتن سرمایه داری در سرمایه امید ختم ملت. د یتر دت دانی راجه بلند د میفرستد تا سر با سرمایه نی به سنگ نخورد.

بنا بر این بحث ما این نیست که رژیم سابق در ایران تلاش در جهت بیرون کشیدن نیروی کار از بخش کشاورزی نکرد، بلکه به پایداری داد تا این است که اینکار را هر دولت سرمایه دار می تواند انجام میدهد. این بدلت "وابسته" بودن رژیم نبود، است بلکه د قیقا "به این بدلت بود" است که آن رژیم مدافع "ره ایداری" بود. ممکن است بگویند "در حالیکه دولت میتواند نسبت به پروا در مدت استولات کشاورزی تحرک بچند د مالیات وضع کند و قیمت آنها را در سطحی نگه دارد که تولید این محصولات در داخل مقرون به صرفه باشد، اینکار را شرکت و طبق د ستوار با بخش د روزه ها را باز نگه داشت." این همان توطئه امیرالایم است!

ما میگوئیم "خیر" دولتهای سرمایه دار در ایران تنها به حفظ رضای اربابان برای ثابوی کشاورزی ایران دست به اینکار نزد اند. منافع هر سرمایه داری در ایران ایجاب میکند که محصول

دست کشاورزی از خارج وارد شوند. بنابراین هیچ زوری در نظر نبوده است آنها ایضا رهم با اربابان هم عقیده بود هاست.

اما چرا؟

شک نیست که کارگر، چه کارگر چیت سازی باشد و چه کارگر اتومبیل سازی، برای زنده ماندن نا احتیاج بخدادارد. غذا احدیست! محصول کشاورزی است. سهم عده های از مزد کارگران بد آمد زحمتشان صرف تهیه خوراک میشود. چون بهر حال سرمایه داران باید حد اقل زندگی بردهگان خود را فراهم کنند، یعنی خرج خوراک، پوشاک، مسکن و حوائج اولیه زندگی آنها را بپردازند. لذا همه آنها سعی دارند تا این حوائج به ارزانترین نحو تهیه شود و اختیار آنها قرار گیرند. اگر درک مطلب مشکلی است فرمائید که شمایک اسب د اید که برای شما عماری میکند، شما ندای او را زکدام فروخته میخرید؟ شک نیست که از ارزانترینترین آنها. د یتر هندی بدن و عرب بدن و آمریکایی بدن و او برای شما فرقی نمیکند. زکدام ارزانتر بهتر!

حال اگر قرار باشد سرمایه داران خرج نان کارگران را بدهند، اینها جای آنها باشند، کتدم ارزان آرزوینا را د اختیار آنها قرار میدهند یا کتدم کرانی را کتدم رستند. حائو و هیاهای کتدم نان، بحمل می آید؟ آیا برنج جلوهی ۲۵ تومان ایرانی را در د ستر آنها میگذارد یا برنج ارزان پاکستانی و آمریکایی را؟ دولت ایران نوسند ان فاجر و تشنه ایران که برای جیدن بدت برده مجبورند تا سرنو هها با لا بیزند راجه آنها خوا دت فروختند یا کتدم کتدم ارزان کتدم ان اشتراکی را کتدم مورخ در دت آنها فارغ از خشکسالی تا بستان و بیرون زمستان میچرند؟ کتدم کتدم را؟ تهیه وسائل و معیشت ارزان برای کارگران بکدری از فشار سرمایه داران اهمیت دارد کتدم و تشنان کتدم مؤلف دت دت این وسائل و ما محتاج را کتدم خرید و اربان تر فروخت. در ایران مؤلف رد انتخاب چنین سیاستی، فراوان است. کتدم، برنج، گوشت، تخم مرغ، روغن، قند، شکر، ... همه اینها هستند که دت آنها را کاران میخرند و اربان تر فروخت میدند. البته سرمایه داران حاضرند به کتدم زحمتشان بپردازند. اگر دولت چنین عملی را انجام ندند، سرمایه داران مجبور خواهند شد خود با افزایش دستمزدها تاوان آنها بدند. با این ترتیب همه خرج از کتدم آنها خواهد رفت. لکن اگر دولت چنین خریدی را تدارک نکند شک نیست که با زده بخشی از آن از دست سرمایه داران و تشنان کتدم نان کتدم برداخته خواهد شد. زیرا همه بزه چه دت از کتدم سرمایه داران تا همین نمیشود.

بهمین جهت ما بشما اطمینان میدهم که تا وقتی سرمایه داری در ایران حکومت کند، سیاست "دنیای بازرجوی و ادرات محصولات کشاورزی" را تعقیب خواهد کرد. این روشی به "وابستگی" رژیم ندارد، اینها منافع سرمایه حکم میکنند. اعتقاد نثریه "بیکاران" به اینکه د سرمایه داری مستقل ایسران کشاورزی د و باره رونق خواهد گرفت، تصور غلطی بیش نیست.

آس قطع وابستگی تکنیکی تقسیم که به اعتقاد نثریه "بیکاران" قاع وابستگی تکنیکی میتواند باعث اشتغال وسیع کارگران و بیکاران کرد. نثریه "بیکاران" درست میگوید، اگر قرار باشد محصولات د در حال حاضر

دنیاه رفت نظرات ... از صفحه ۱۳

استفاده از تکنیک پیشرفته خارجی در ایران تولید می شود بدین
استفاده از تکنیک تولید کنیم لاجرم باید بخش وسیعی از کار
گران جذب تولید شوند. مثلاً "یک شرکت راه سازی که بسا
وسائل و تکنیک مدرن کار میکند و ماشین آلات پیشرفته ای چون
پمپهای هیدرولیکی و مکانیکی، اسکرپرها، لودر و بولدوزرها بکار
میگیرد در مدت کوتاهی حجم عظیمی از کار را بپایان میرساند."
همین حجم کار را اگر بخواهیم بدون استفاده از تکنیک پیشرفته
خارجی انجام دهیم نیاز به صد ها هزارها کارگر بیلد اروساد و
خواهیم داشت. بنابراین نشریه "بیکاران" وقتی میگوید
عدم استفاده از تکنیک خارجی باعث میشود که کار در سطح وسیع
ایجاد گردد، اشتباه نمیکند. اشتباه بزرگتری را مرتکب می
شود و آن این است که تصور میکند کاربرد این تکنیک پیشرفته
احتیاج به نیروی انسانی کمتری دارد، اجباری است که از سوی
"امپریالیستها" به سرمایه داران و مأموران صنایع ایرانیسی
تخلیه شده و میشود. این ایدئال صحیح نیست.

کاربرد تکنولوژی در جهت افزایش بارآوری کار در وقت
سرمایه داران است. از طرف دیگر رهنه رفته با این سرمایه
داران بر سر کسب سود هر چه بیشتر رقابت شدیدی وجود دارد
و این رقابت آنها را وادار میکند تا برای کارمندان خود بیشتر تکنیک
در کارشان به اضافه بهره ازند. اگر چه این مسأله به شرح بود
آنانی تمام میشود اما در مجموع سود نفع سرمایه داران زیاد میشود
و بدین کارها منتهی می شود. چرا که سرمایه داران در کار خود
میشود و هر چه نیروی کمتری در تولید بکار گرفته شود نهایتاً سود
کمتری باید خواهد شد. این یکی از نتایج اشتباه است و مانع پیشرفت
سرمایه داری است که ثابت آنرا از پایه ویران خواهد کرد.

پس هیچ سرمایه داری بمیل خود خاندن نخواهد شد از کارمندان
هر چه بیشتر تکنیک و نفع ایجاد کار برای بیکاران صرف نظر کند.
باز هم نباید فرض کنیم که ما سرمایه داران را مجبور کنیم که از
تکنیکهای پیشرفته خارجی استفاده نکنند، ببینیم چه عوارض
کاربران خواهد شد؟

در یک کلام کار شاق و کم حاصل. جای پاک بشوئینجی راندی.
در کارگاهها گل لگد کن خواهد شد. جای یک کارگر بیشترند
راصد آنها از کارگر که با یک نفع و بهره مند خواهند گرفت. بجسای
کارگران بخش حمل و نقلی تعداد بی شماری کارگر که مانند بر
دکان بصیری، اسپیکارهای شاق اند بکار گرفته خواهند شد.
بجای پنجاه هزار کارگر و پنج آهنگر، بیست و هفت هزار آهنگر
شیرین و دهانی باید به وسیله ماشینهای مدرن بدست و بیایند آهن را
بدینند بکار گرفته خواهند شد و قفسی نمیدانند. آیا این شرایط
بمنفع کارگران خواهد بود؟ حاشا! این ارزشمند با آرم چیست؟
و همیشه طبقه کارگر را طبقه کارگران را بخود فرا هم میکند. امروز
که تعداد زیاد از کارگران بیکارند چه کسی آنها را زندگانی میکند؟
کارگران شاق! آیا بهتر است که از هر طرف کارگری از آنها
کارگاه و خرج در میزان راجد هدیا بهتر است که همه آنها بکار گسل
و اندامه شوند؟

بازگشت به اشکال تولید عقبمانده یعنی دوری کارگران از
کارخانه و کارگاههایی که کارگران را بدور هم جمع میکند متذکر

میسازد و به آنها قدرت میدهد. بازگشت به اشکال تولیدی عقب
مانده و نفع کارگران نیست.

البته شاید در موارد محلی کارگران خواستار کار دست جمعی
و همگانی شوند. و تشخیص دهند که اشتغال آنها در یک طسرخ
همگانی با مسائل ابتدائی نفع آنهاست. اما آنچه مسلم است
این است که هرگز دلیل آنها برای قبول این کارهای شاق و کمسر
شکن قطع وابستگی سرمایه داری ایران از خارج نخواهد بود.
آنها حتماً از اینکار اهداف مبارزاتی خود را تعقیب خواهند کرد.
اگر بخواهیم از این بحث طولانی نتیجه گیری کنیم بایستد
بگوئیم:

کارگران برای احیای نظام سرمایه داری و برقراری سوسیالیزم
مبارزه می کنند. تا زمان کسب قدرت سیاسی و بخصوص در صورت
ایجاد بحرانی فعلی کارگران برای تحقق خواسته هایشان مجبور
ند از طریق مبارزه در هر قدم بیرونی را وادار به تغییر کنند.
لکن بر خلاف زعم نشریه "بیکاران" خواست قطع وابستگی سرمایه
داری ایران به سرمایه داری جهانی "قطعه حرکت و خواست
استوار کارگران است."

استدلالی که ما نمایان آیم، استقلال صنعت از تکنیک
خارجی، استقلال مزه از ماشین آلات خارجی، استقلال
ماشین آلات از قطعات بدکی خارجی و استقلال مرد آری از
دانش فنی نیست بلکه استقلال توده ها از سلطه امپریالیست
نظام و اقتصاد کارگران از یوغ سرمایه است.

تلاش برای وادار ساختن بیرونی به قطع وابستگی ما
و در دسترس آن ها چه خواهند شد و از طرف دیگر "فصل
رایجی" بیخبری خود هیچ نفی برای ما نخواهد داشت.
ما بایست خواست نمایان را در دست بگیریم و با این دست
جهت آزادی توان و امکان مبارزاتی مان باشد بطور دقیق و
روشن از موضع اشتغال خود طرح کنیم و برای تحقق آنها مبارزه
کنیم. در تمام فعالیتهای ما، چه از راه توده های که شش سر
"بیکاران" برای ایجاد کار می دهد نمی توانیم با سرمایه
داران با یک طرف دیگر با آهنگر و دهانهای نشریه "بیکاران"
با مزاج دولت بیرونی سازگار شویم. نتیجه آنرا بیرونی
زی، تن به اجزای آنها نخواهد داد. کارگران برای حل مسأله
له بیخاری باید به اراده عقیده همه سازمان خود و به قدرت خود
تکیه کنند. هر انداز که بتوانیم اراده و قدرت خود را بجمعی
فانگندیم برای سرمایه داری و سلطه بلا مزاج آن نشان بدهیم
و با آن خود توفیق بیشتری کسب خواهیم کرد. حل مسأله
بیکاری جز از طریق اعمال اراده متذکر کارگران و بیکاران و با
راه با تمام کمال بیرونی نمیست. لاجرم در این راه مسأله
به کارگران سرمایه داری میست.

در وقت حال بیخاری داد و ستد در فاعل نفع سرمایه از
فرض کنونی شروع می کنند و با هم می بینیم حل مسأله بیکاری
ری (حل سیاسی که حل فعلی آن نسبت مستقیم با استقلال
قدرت کارگران و بیکارانند و در وقت حال نفع سرمایه دارد.
در این میان رهنمودهای نشریه "بیکاران" در عمل بیست
ند صحت قدرت کارگران و افزایش قدرت و وقت میانجامد چسرا

دنباله رد نظرات ۰۰۰ از صفحه ۱۴

نشریه "بیکاران" از موضع "قضع وابستگی" حرکت میکنند. اگر کارگران و زحمتکشان رفیقان ارزان، برتج ارزان، نان ارزان، گوشت ارزان و سایر مایحتاج خود را با فشارزد و دستخط میکنند، نشریه "بیکاران" آنها را ملاحت خواهد کرد چرا که آنها با فشار خود "تشدید وابستگی را بدولت تحمیل میکنند" در حالیکه فراخواندن کارگران و زحمتکشان به ریاضت و عدم اعمال فشار بر دولت، نتیجه‌ای جز تثبیت وضع دولت و حفظ ذخائر ارزی آن نخواهد داشت. دولت نشان داده است که پولی را کسب و تبلیغات چربانه‌ای نظیر "نشریه بیکاران" برای او پس انداز میکند، صرف مشکها و تعمیرها و سایر چیزهایی میکند که کار سرکوب خلق کرد و همه کارگران و زحمتکشان بیاید رد باید کنیم که حاصل ریاضت کارگران و زحمتکشان معافیت مالیات است. ارتشیان است. کم‌بترسند و مهربان را بیکاران کشند و نشانداد راد هم بگویند. دیده ایم که حاصل ریاضت کارگران و زحمتکشان پس اندازی است که خرج باندنای سیاهی میشود که خود آنان را تار و مار کنند.

"قضع وابستگی اقتصادی سرمایه داری ایران بسارچ" تنها میتواند خواست بورژوازی ایران باشد. انهم خیالیانترین آنها! نباید اجازه دهیم که این شعارهای مبارزاتی مبارزاتی طبقه کارگر چاره شمسود.

کارگران طرفد ارتشریه "بیکاران"!

اگر نخواهید بر علیه بسیاری مبارزه کنید، شروع اول اینست که وانستی را نه بتغییر آن غرض کنید بد رستی بنشانید و دستتان و دستمان خود را در این مبارزه بد رستی تشخیص دهید. ما هر اندازه بیشتر انیم اراده خود را بجای نایم، اراده و نایمندی سرمایه بنشانیم در این مبارزه بیشتر میوز شد داریم. دولت سرمایه ارزان دادن حق بیمه ضربه میزند، ما باید او را مسوره برداشت آن نیم. سرمایه داران سندنایان را پس خودمان، پایه سرمایه داران مجدد است. سندنایان ما باید آنها را در ارتشم که ضررند. دند اما تولید ما بحتاج کارگران و زحمتکشان را متوقف نکنند. دولت از همه مالیات میگیرد از جمله خدایات شهری از قبیل آب، برق، اتوبوس، نشریه و غیره. رآمد کسب میکند ما باید ایرام جبر کنیم از کارگران بیکاری که هیچ محل درآمدی ندارند، همیزی نستانند و...

همه اینها نیازمند حالت مادی و نظام و اخلاقی در روابط و نایمندی های سرمایه دارد. این کارها مشکل است، ولی بیسر حال ازواد کردن سرمایه داران به "قضع وابستگی" یعنی وادار کردن آنان به خودکشی است. کارگران شانل و بیکار همه در مبارزه علیه بیکاری ذینفع و همراهند. ما خواستار اتحاد پر قدرتی از توده های کارکنان و بیکار برای مقابله با دولت و سرمایه داران هستیم. اتحاد کارگری علیه بیکاری "تعداد ماست."

اگر جنبه های ما شمارا قانع کرده است، ما با همکاری خود و تشکلات خود را نیز به همکاری متبادل کنید و اگر هنوز نایم نشد، ما برای ما نامه بنویسید.

نویسندگان گمان به نشریه بیکاران! ما تزه های شمارا در "علیه بیکاری" رد کردیم. آنها را غلط خواندیم. شعارهای شما را شعارهای بورژوازی های خیاالیاف خطاب کردیم. بسیاری از شما همی های شمارا چاهتمانی جلوه دادیم، اگر هنوز در دفاع از تزه هایتان حرفی برای گفتن دارید، باید ای بلند بگویند. ما آماده شنید نیم و کارگران آماده تناوت. ما از زگرهای و خوانندگان "علیه بیکاری" را از انحراف نجات دهید! و اگر تشکیل "اتحاد کارگری علیه بیکاری" موافق و آماده مبارزه باشید، بدانید که دست ما برای وحدت عمل با همه نیروهای مبارز همچنان دراز است.

پیش بسوی تشکیل اتحاد کارگری علیه بیکاری!
زند و پرتوان بساد قدرت کارگران و زحمتکشان متحد!



فراخوان بین الملل

سندیکاهای سرخ

به کارگران بیکار '۱۹۳۱'

"شمال ولین رنج کشید های این مبارزه بودید و بایید اولین کسانی باشید که دست بتعرض میزنند. ولسی فراموش نکنید که تنهاد رصورتی پیروز میشوید که صفوف خود را با سایر کارگران فشرده تر ساخته و از منافع تمامی طبقه کارگر دفاع نمائید. کارگرانی که هنوز بکار اشتغال دارند نباید تصور کنند که مسرتوشند بیکاران دچار نمیشوند."

مبارزه برادران بیکار باید مورد پشتیبانی کارگران قرار بگیرد و سندیکاهای سرخ باید همه اقدامات لازم را انجام دهند تا مبارزه بیکاران، زیر پرچم سندیکائی به پیش رود و ترکیب گرد آنها را رزمندگان هم از کارگران بینکار و هم از کارگران شاغل تشکیل شود.

نقل از کتاب "سندیکای سرخ"



اخراج کارگران همچنان ادامه دارد

اخراج و بیکاری و درگیری کارگران از بارزترین عوارض نظام سرمایه‌داری است. زمانی که سود دهی سرمایه بدلیل بحران رشد نیابنده سیاسی - اقتصادی بخطر می افتد؟ سرمایه‌داران با کمک قانون، زور و فریب از موجودیت و بسط سرمایه شان به قیمت اخراج و بیکار کردن کارگران و در نتیجه تشدید فقر و تنگدستی آنان، دفاع می نمایند. اخراج ۵۰ نفر از کارگران کارخانه گیلان ابریشم توسط مقصودی رئیس کارخانه و رئیس سپاه پاسداران فومن به بهانه بوج "نخواه بیدن کارخانه" و دو تن از کارگران تعمیرکار یک بخار ماشین سازی اراک بجرم عدم تسلیم آنها در مقابل ندادن حق سرس و بس و مزایای دیگر از سوی فروشنده برعامل کارخانه، منسپای از این دست است. (نقل خبر از "بیکار" ارگان سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر)



دنباله جنگ و... از صفحه ۹

نمی‌توان و نباید تنها نظار مگر تشدید بیکاری، نظاره کردن در رفقای کارگرمایان به فلاکت و خفتی بود که هر آن مارا نیز تهدید میکند و در عین حال گامهای صلی برای سازماندهی مبارزه با آنرا زیاد بود. اکنون دیگر نمیتوان و نباید کارگران بیکار را در دست و پنجه نرم کردن با فقر و گرسنگی، در درگیر شدنشان با مشکل همکاری - گران در مقابل با بیکاری تنها گذاشت. نمیتوان دست روی دست گذاشت. نباید سنگرها را خالی کسرد. تمامی اهرمهای مبارزه در دست ماست. تولید، نیض مبارزه با دشمنان طبقاتی مان در کارخانه ها دست ماست. مشکل همه ماست. باید مبارزه را سازمان داد. کارگران را برای مقابله با بیکاری، برای ایجاد آن تشکیلاتی که بر اتحاد پولادین کارگران شاه غل و بیکار برای حل معیشت بیکاران استوار است برای تشکیل "اتحاد کارگری طبقه بیکاری" فراخوانند.



دنباله گزارش از... از صفحه ۲۴

کارگران شاد از این حرکت کاملاً متحد و هماهنگ خود در پوست نمی‌کنند و دسته دسته در کارخانه به صحبت راجع به این موضوع پرداخته بودند و عداوت می‌دانستند که این ماجرا به پایان نرسیده است و باید انتظار ادامه جریان را داشت ولی هیچکس پیشنهادی برای ادامه این حرکت نداشت و نمی‌دانست که چگونه می‌باید در مقابل این تصمیمی که خارج از اداره کارگران گرفته شده ایستاد.

قبل از شرح ادامه مبارزه، اجازه بد هید کمی به عقب برگردیم و مشتقاً شرایط آتام" و دلایل دفاع کارگران از ارباب را بررسی کنیم:

کارگران آتام از بعد از قیام بهمن ماه همیشه خود را درگیر خطر بسته شدن کارخانه و بیکاری دیده اند. همیشه بعد بیره د ولتس بسا آمار و ارقام رنگارنگ هر روز در گوش کارگران می‌خواند که کارخانه ضرر می‌دهد، کارخانه در شرف ورشکستگی است و... بلا فاصله بعد از قیام بهمن تا آتام بودین که رژیم جمهوری اسلامی هم آغاز به آه و ناله از ورشکستگی و رکود کارخانه ها و ضرر درت تولید و تولید بیشتر و برقراری نایم و آرامی کرد.

آتام بدون آنکه حرفی از بحران اقتصادی و سیاسی نظام سرمایه داری تحت سلطه ایران بزنند، همه این رکودها و ورشکستگی ها و در نتیجه بیکاری ها را به گردن قیام بهمن و مبارزه دلبرانه کارگران و زحمتکشان ایران انداختند و از انقلاب طلبکار هم شدند.

رژیم جمهوری اسلامی چون هر رژیم سرمایه داری دیگری که دچار بحران گشته است، با هر اعتراض و اعتراضی که از طرف کارگران و زحمتکشان در جهت دستیابی به خواسته های خوب پیش صورت گیرد موعبت بحران تری می‌یابد. و در نتیجه چاره ای جز فریبکاری و آنجا که فریبکاری موثر نیافتد اعمال سرکوب و اختناق ندارد. چاره ای جز اینکه با تبلیغات خویش بحران اقتصادی خویش را پنهان سازد و تمام ورشکستگی ها، بسته شدنها، بیکاری ها، فقر و فلاکتها را به گردن مبارزه کارگران بیاندازد و آنان را از مبارزه باز دارد. و به تولید و تولید بیشتر وادار کند. و هر آنکس را که این حيله را افشا می‌کند سرکوب کند، ندارد.

آتام در گوش کارگران می‌خوانند که خطر بیکاری بر اثر قیام است. بر اثر اعتصاب کارگران برای خواسته های خویش است بر اثر ادامه مبارزه بوسیله کارگران آگاه و مبارز است، به خاطر برهم خوردن "نظم آریامهری" است و بالاخره همه و همه به گردن "ضد انقلاب" است و "ضد انقلاب" برای رژیم جمهوری اسلامی و کارگزارانش یعنی کارگران و زحمتکشان آگاه که برای رسیدن به خواسته های خویش، برای حفظ سطح معیشت

کارگران جهان متحد شوید

دنیای گزاشی از ... از صفحه ۱۶

خویش از گزند ستیود سرمایه داران و بالا بردن سطح زندگی خود، برای حفظ آزادی شتیه و بیان و اجتهادات و احزاب برای بدست آوردن حق شرکت و تصمیم گیری در باره سرنوشته و امور زندگی خویش و خلاصه برای حفظ دستاورد های قیام تا آخرین لحظه و بدون کمترین سازش مبارزه می کنند.

آنان می خواهند و نمود کنند که اگر کارخانه سود نمیدهد مگر دارد "ورشکسته" می شود، اگر کارخانه بسته می شود، اگر کارگری آن بیکار می شوند، همه و همه به خاطر مبارزه آنان و اعتراضات و اعتراضات آنان است.

می خواهند به کارگران بقبولانند که نباید مبارزه کرد و اگر مبارزه باشد، کارخانه بسته خواهد شد و بیکاری خواهد آمد. پس باید هرکس و هرچیز را که در مقابل "تولید کارخانه"، در مقابل نایم آریامیری، در مقابل پایمال شدن انقلاب و دستاورد های آن می ایستند، از سر راه برداشته و این غرضی در آگام هم بود و هست و بر اثر دنباله روی کارگران آگاه و مبارزان خرد کتبی از خود پیروی، بیشتر اتفاق است.

کارگران مبارز بسیار به ندرت در جهت انشای رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و عملکرد های آن و تونیم امتیستدل منافع کارگران و تضاد آشنی ناپذیر آن با منافع سرمایه برآمدند. آنان به ندرت به تونیم بحران اقتصادی نایم سرمایه داری و ارتباط آن با اخراج و فقر و بیکاری خود نشان و هشم چنین ضرورت اتحاد و ایجاد صف مستقل و سازماندهی مستقل کارگران بر علیه این نظام برداشته اند. آنان غیرم تلاش و شور فراوان نشان رفتاری، اگرگ خویش را از تجربیات مبارزه، از علم مبارزه محروم کرده اند و بجای حرکت در جهت سازماندهی و مبارزات و تبدیل مبارزات خود بخودی به مبارزات آگاهانه تنها شرکت و سازماندهی لحظه به لحظه و خود بخودی مبارزه هستند. هرگز و هرگز با تکیه بر توانائی های فردی شکل گرفته و نقشی در رسمیت و آموزش رفتاری کارشناسان و تشویق نمودند.

در نتیجه در مقابل تمام مبارزات کارگران آگام و تونیم اینکه این مبارزات از شور و انرژی فراوانی برخوردار بود، غول بسته شده، در کارخانه بیکاری بصورت سدی لاینحل قد علم کرد. کارگران، بارها و بارها توانائی ها و خشم خویش را در مبارزه با سرمایه و سرمایه داران نشان دادند. بارها با توکران نظام سرمایه داری درگیر شدند. بارها و بارها نمایندگان همیشه مدیره دولتی را با فضاحت از کارخانه راندند. اما غیرم تمام اشهاد رنجید کامل ذهنی مبارزه، در رنجید برنامه های مشخص با شمارهای مشخص، مبارزه و شعارها ایشان از ذهنتی به مبارزه خود بخودی فرا تر نرفته است و توکران حلقه بکوس، وزیرک سرمایه با با تحراف کشانیدن این مبارزه جان بد برسد مانده و همه چیز را به نردن "رکود کار" و کمی تولید و "ببین نظمی" انداختند. همه چیز با نردن به اصلاحات ضد انقلاب انداختند. انداختی برای نجات و رفع اشهاد از دولت سرمایه داران بد دیگر را "ضد انقلاب" خواندند.

در این روز است که کارگران آگام هیئت مدیره دولتی را بنامه سیاستهایی که در مورد کارخانه داشته است و از نقشه نظر کارگران و شورای آنان منجر به بسته شدن کارخانه شدند همیشه جز "ضد انقلابیون" و "توکران" مداندستند.

آنان دشمن طبقاتی خویش را در تصویر می خند و برهم، در منطوقی از مهره های کوناگون نظام سرمایه داری چون هیئت مدیره، کارمندان، مدیرعامل، می بینند و با تبلیغاتی که هر روز از بلندگوهای رژیم سرمایه داران میشود، این دشمن را روزی تصویر تاریخی یابند و تحریفی میبسترونند و بیشتر برای آنان برمیگزینند. آنان هیئت مدیره دولتی را مضمی "سود جو" که برای "منافع خویش" مبارزه میکنند نه برای "منافع کارگران و ملت" می شناسند و هرآنکه نصاب یا اخراج از تصرف هیئت مدیره را به حساب این "سیاست ضد انقلابی" درجهت بستن کارخانه و بیبیتاری و "هرج و مرج کشور" میدانند.

آنان تسلیم فریبکارهای رژیم سرمایه داری، هیئت مدیره دولتی را نه این جهت که حامی سرمایه داران و دلشان است بلکه از آن جهت که از دولت سرمایه داران میزدند در مورد خشم قرار میدهند. آنان بیکاری و "هرج و مرج" را نه امری بیخبران و نایم توانی اقتصاد سرمایه داری بلکه برآش "دزدی" و اعمال "ضد انقلابی" هیئت مدیره و شرکا و افراد کوناگون می بینند و لقب "ضد انقلاب" را که می باید به ثلیه حامیان نظام سرمایه داری و در رأس آن سرمایه داران بد دولت سرمایه داران داد،

تنها بد زده های کوچک و فرصت طلبی چون هیئت مدیره هستند و این میشود که بجای مبارزه متحد و سازمان یافته بر علیه نظام سرمایه داری تنها به مبارزه بر علیه هیئت مدیره بسند میکنند. این میشود نه این نظام و رژیم حامی آنرا می بینند و افراد راست به ندرت مقصود اند. مثلا "می بینند": "اعترافان دولت خوب نمسند اما خود دولت ...". "اعترافان خمینی و پسران خود نمسند، ضد انقلابند، اما خودشان نه!" و در همه این لحظات در تمام این تحلیلهای جای اقتصادها و آگاهگری بهای کارگران آگام و مبارز، کارگران دوستیستفالی است. افشاد گریه های نماینده های مدخوش و درهم را از هم جدا اند و راه حل مشخص را بازنمونماید. با این زمینبید کمروستفشی کارگران بسته عند لسان حقه کردند. آنان را و عامل هیئت مدیره برای ندرت نمودن جوئی به کارخانه آنان بیون فرستادند و هیواست

بسته شدن کارخانه خواهد شد می بینند. پس باید او را بسروان میکردند و اشتارواکنند. این عمل تیلور قدرت کارگران بود، کارگرانی که ندرت است. تسلیم تصمیمی خارج از تصمیم و اراده خودشان شوند. کارگرانی که تنها خود را برای تصمیم در باره خویش، مدق و نابل اعتماد می دیدند. کارگرانی که نقش خود را در روند رولی و سرکوب شده نشان فراموش نکردند و چون گو می اشتارواستاد بودند. حال ریشه های ذهنتی این حرکت به بود و اینکه رفتاری کارگر در تحریف صحیحی از دشمنان و منافعیشان ندرت استند تحریفی از نقش خود در مبارزه با سرمایه داری استند. به شدت و کرمست نه به آن می بزدازیم و در قتل شما حدی بد آن برداختیم.

دنیاله گزارشی از ۱۰۰ روزی که در صفحه ۱۷

روز چهارشنبه روز بزرگی بود. روزی که مزدوران و نوکران سر-
 ماهیه مشت خود را باز کردند. روز "حکمای قانونی" مسا
 "افضای قانونی" بود. روز نمایش قدرت سرکوب و بگسرو
 بپند باسد ازان قانونی بوده همه و همه این قانونها و قانونیه از
 یک هدف واحد ریشه میگرفت، از منافع سرمایه ازان بود و لشکان
 روزافشا اعمال و اید ههای ضد کارگری بود. روزی بود که پس
 مزدوران ترس خود را در مقابل کارگران مبارز و آگاه به سر بحتترین
 شکلی اذعان داشتند و بالاخره روزی بود که چهارمزدوران سر-
 ماهیه و سیاستهایی که دنبال میکنند متواضعت به مطلوبترین شکل
 برای کارگران آشکار کردند.

صبح خیلی ناآرام بود، کارگران در کارگاهها به بحث مشغول
 بودند. همه روی این موضوع که هیئت مدبر بروی حساب خا-
 صی "اریایی" را برود اشتها این "حساب" جدا از اهداف
 توسط کارخانهها نیست و در انتباه بیکاری کارگران ختم میشود
 توافق داشتند.

آزیرا طرف جمعی از کارگران کشید و میشود. قطعنامه‌ای در
 جهت محکوم کردن حرکت هیئت مدبر خوانده میشود. کار-
 گران آنرا تایید میکنند. بعد یکی از مهندسين راجع به ضرورت
 رت مقاومت پنداندن کارگران در مقابل این تصمیم هیئت مدبر و
 همچنین جلوگیری از خروج قطعات یدکی تاروشن شدن وضع
 سخنرانی میکند. بعد یکی از کارگران مبارزه روز قبل تجسست
 جمله و تهدید بنا خراج (از طرف مدبر بیان) بود، شروع بسته
 صحبت نکرد. بر سر ضرورت ادامه اعتراض تاکید داشت و اگر شد
 کرد که "تولید را ادامه میدهم، اما میخواهم کارخانه بچرخد
 و بنا اعتراض ما هم جواب داده شود. اما شاید هیئت مدبر
 برای جلوگیری از اعتراض ما مواد اولیه را قطع کند که در آنسورت ما
 باید به انواع شیوهها مواد اولیه را تهیه کنیم و شاید بخواد مد
 ای تا چند تا ای از ما را خراج کند. ما باید در مقابل این اقدام
 بایستیم. کارگران مشترکا حرفهای رفیق کارشان را تایید
 کردند و بعد قرار بر این شد که از هر قسمتی ۲ نفر بعنوان نماینده
 انتخاب شوند تا برای رسیدگی و اعتراض بدین تخیر و تحول به
 وزارت صنایع ۱۰۰۰ و دفتر مرکزی آتام بروند. نمایندگسان
 انتخاب شدند. از کارگران خواسته شد که بر سر کارندان سرگوس
 دند و نتیجه را بوسیله نمایندگسان تعقیب کنند. تظییر نشده
 شد و کارگران که بکجه به بحث مشغول میشوند. آنها هنوز هم
 خواهند بر سر این موضوع و جنبه برخورد صحبت کنند و راه حل
 های جدید را مورد بررسی قرار دهند.

کارگران با هزاران سوال ریزی قسمتها شدند. آنان سر-
 سخنان در برای خواننده های دویس که همان "کار" و "پس از
 بدن" کارخانه بود ایستاد بودند، ولی این تمام قیاسها
 نبود. حقیقت چیزی دیگری بود. حقیقتی که می بایست با
 افشا ما هیئت این تخیر و تحولات و اهدافی که در رابطه با آن
 دنبال میشود آشکار شود. و اهداف ضد کارگری هیئت مدبر
 و وضعی را در جهت نیازهای سرمایه برای استقرار "نظام آریایی"
 برای سرکوب مبارزات کارگران برای اخراج کارگران

مبارز روشن سازد. حقیقتی که روشن شدن آن توان این را
 داشت که کارگران را از خواست "تولید" فراتر ببرد و مبارز را
 ارتقا دهد. این حقیقت که بیکاری کارگران نه باسد موجود
 "تولید" نخواهد. در این کارخانه بلکه با سرمایه اری بسودن
 جامعه و بحران آن توضیح داد. این حقیقت که در لیست
 پشتیبان کارگران از "اریایی" مدیدن "تفاوتی" بین او و
 عند لبیان نیست بلکه ضرورت اعمال نظر کارگران در تصمیم گیری
 های مربوط به بود است و به کارگران لزوم حرکت در جهت آن
 و مبارزه برای آن را توضیح داد. اما هیچکدام از این حقایق
 در مجمع عمومی در بهترین محلی که کارگران فرصت بحث تبادل
 نظر و افشا تاثیرهای انحرافی و ضد کارگری و نیستی را محلهای
 متاثره با سرمایه ازان را دارند نفته نشد و کارگران به قیامت در
 مورد آن فراخوانده نشدند. بنابراین کارگران با همان سطح
 برخورد و همان سطح مبارزه که در "تولید بیشتر" برای مبارزه
 با بیکاری و اخراج خلاصه میشد، افرادی را به عنوان نماینده
 برگزیدند و خود به قسمتها رفتند، زیرا مبارزه را تمام در "قسمتها"
 و جرخش مداوم و سخت کارخانه" میدیدند و نمایندگان را هم در
 خدمت تفسیر این جریخ.

اما هیئت مدبر در وقتی ورثیس کمیته چون هر کار گزار دیگر سرمایه
 این برداشت را نمایندگان دانستند، آنان میدانستند که
 این نمایندگان از بیشترین و مبارزترین کارگران بیرون آمدند
 اند، میدانستند اگر حتی چند تن از این نمایندگان عضو انجمن
 اسلامی هم باشند افرادی هستند که قیامشان در روزه اولی برای
 منافع کارگران نیستند. آنها میدانستند که نمایندگان همزمان که
 در همان بگشایند کلامشان شستگاه خود را در کارگران می پاشند
 میدانستند که اینان مبارزین جوشیده از خون انقلابند. پس
 برای نجات نظام بوسید سرمایه اری باید سرکوب شومند،
 باید به انحراف بکشاند و شوند، باید آنان را از کارگران جدا
 ساختند.

نمایندگان کارگران و کارکنان با تکیه بر قانون سرمایه داران،
 تکیه‌گاه اصلی خود یعنی جمع کارگران را رها کردند و به قانون
 سرمایه ازان و ضمانت نامه های رایج در لخواه نمودند.
 آیا نمایندگان کارگران مبارز انقلابی که اکنون بعنوان نمایندگان
 کارگران انتخاب شده بودند در راه این عزل و نصب هائی بود
 که کارگران بصورت خود بخودی و تحت تاثیر تبلیغات و فریب
 های مزدوران سرمایه برفتند؟ آیا آنها هم ساد ناند پشیمان
 فترتند نمایندگان توده هیئت برای بستن کارخانه؟ اگر نه،
 پس آیا قبل از ترک جمع کارگران اینار روشن ساخته بودند؟ آیا
 در مجمع عمومی کارگران تمام این فریبکاریها را افشا کردند و نمایندگان
 کردن مهره‌ها را برای کارگران توضیح دادند و آنان را به
 مبارزهای متحد بر طبقین تدارک، نمایندگسان اخراج و بیکاری،
 مبارزه با اعمال سرکوب و اختناق در کارخانهها خواندند. بودند؟
 نمایندگان کارگران مبارز که همیشه و همیشه کارگران با سرمایه اری
 مبارزه کردند. نمایندگان ام از این موارد راضی نازد نبودند و
 حال بدین این زمانه در مجمع مدبر دست به تهمین زدند.
 بدین توجه نمایندگان در عزم تمام در مبارزات

دنیاله گزارشی از ۱۰۰ صفحه ۱۸

کارگران را برعهده دارند. در این مقلع تسلیم به خواست خود بخردی و نه آگاهانه و منطبق بر منافع کارگران، که همانها "تولید بیشتر برای مبارزه با بیکاری" بود. شده بودند و سه عنوان نمایند. این خواست به دفتر مرکزی میروند. کارگران آنان را فرستاده بودند تا ایشان به وزیر، به هیئت مدیسه و... بگویند که ما داریم خواست شما را برآورده میکنیم ما داریم تولید میکنیم، یعنی همان کار را که شما در بلدند گویایان فریاد میزنید، پس کارخانه را تعطیل نکنید، چون ما خود با اخلا لکزان این "نظم تولیدی" مبارزه خواهیم کرد. و کارگران مبارز و پیشرو به عنوان نمایندگان کارگران قبل از آنکه دست به افشا این تبلیغات و این انحراف بزنند، قبل از آنکه اینها برای کارگران روشن کنند که ما پس پیروی از خواسته های رژیم سرمایه داری نیستیم که می توانیم در مقابل تهاجمات آن بایستیم، ما با اتخاذ برنامه ای درست و انقلابی در جهت نابودی این نظام استثمارگر است که خود و جامعه را تجات خواهیم داد. قبل از آنکه توضیح دهند که این بیکاری، نه بر اثر کم کاری بلکه بر اثر بصرمان شدن اقتصاد سیاسی نظام سرمایه داری آنهم ربطی به جهان است و اگر شبانه روز هم تنها کارکنیم باز هم بیکاری و فقر هست و تنها با مبارزه برای امان برای نابودی نظام سرمایه داری است که ما از سر استثمار، بیکاری و فقر رها کنیم خواهیم یافت. قبل از آنکه توضیح دهند که این تغییر مردم ها نه در جهت بستن کارخانه بلکه در مرحله اول برای این است که سرمایه داران می دانند که در بر یا زود بر اثر بحران قدرت حفظ کارخانه به روال سابق نخواهند داشت و فشار تمام این بحران را می باید بردوش کارگران بیاندازند. حقوق آنها را کم کنند یا کارخانه را ببندند یا بر بستن است. استثمار و خشنایان امپریالیستی با اعمال اختناق و سرکوب تمام عیار آریامیری دستاورد های انقلاب را در هر شکلی نابود کنند و پس از آن سود های افسانه ای سرمایه ها را به جنگ آورند بنا بر این رژیم انبوه باید فقر آنرا را، و کارگران آنها را مبارز رانده توان افشا این سیاستها و وسیع کارگران برای مقابله با آنها اقدام کنند بیرون انداختن و بیرون انداختن این مبارزان احتیاج به آدمهای مزد روپی اراد های چون ضد ایبازند اردت قبل از آنکه همه آنها به کارگران توضیح داد شود و کارگران چه مبارزهای متحد و متکلی فراخوانند شوند. مبارزاتی که با هیئت مخفی و متلهم خرابی متفاوت است. مبارزاتی که ممکن بر صفها و هشتهای کارگران متکی بر اراده کارگران است نه سیاست پندگان خود را از کارگران، از رهبران خود جدا ساختند. آنان به دفتر مرکزی رفتند تا اعلام کنند که "استیفا شده، همان رسم کار میکنیم و تولید بالا است". اما مردان حلقه بخش سرمایه داری اولین قدمشان آنها را تریز کانه شریک کردند. آنان اهداف خود و طبقه شان را خوب می شناختند. اولین قدم نمایندگان کارگران و پیروی آنان از این سیاست بود بخود، یعنی تهاجمات بیشتر بر زیر سوال نبودن نظام و دولت سرمایه داران موقتی، برای آنان بسوزد.

نمایندگان خود، قدم فراتر گذاشتند و برای اثبات این توهّم خود به دفتر مرکزی رفتند و در جواب به پاسداری که آنان را به "اخلالگری" متهم کرده بودند، اعلام کردند که: "ما همگی مسلمان و در خط امام هستیم، ما قصد شو ریش برعلیه دولت راند اریم و هم اکنون نیز کارخانه مشغول بنا را است، بنا بر این اصلاً "مسئله" مستلماً عقاب و تحسین نیست بلکه ما خود ستار یا زشت بد سرعامل سابق، می باشیم". به آن برخورد تسلیم و البته نسبت به حرکت خود بخودی کارگران و پیمانده اس دن به ارتقا ذ همت و مبارزه کارگران تا بنا بر جا هم می کشد و از اینهم فراتر نخواهد رفت.

اما مردان سرمایه در موقعیت بحران زده شان حق بی احتیاجی نداشتند. آنان نسبت به آینده و اهداف خود اطمینان و سکی نداشتند، آنان میباید از این فرصت بهره می جستند و "یا سازی" را از همین آغاز میکردند که حتی بهترین فرصت بود. آنان باید دشمنان طبقاتی خود را در چند کما کتون ایلحه خود را، در مبارزه ساد مانند پشانه به کنار گذاشتند و از میان بر میداشتند و با انرژیتوانستند با فریب و نرسند یا با تهدید به سازش می کشانند. پس دستور داد شده که بی نغز از نما بندگان به هیئت عشرت آباد برده شوند. بی نظری که سازمان انتخاباتی نامعلوم نبود. کل نمایندگان به این تصمیم اعتراض کردند و اعلام داشتند که "یا باید همه را برید یا هیچکس را". اما در اینجا هم این اعتراض کوچک از طرف خود نمایندگان در هم نکت و برای عدم درگیری در این مقطع با پاسداران و انحراف از خواست اصلی تصمیم به موافقت و عدم مقاومت گرفته شد.

بله! خواست اصلی یعنی خواست مذاکره و اعلام "هم اکنون کارخانه مشغول به کار می باشد"، برای نمایندگان مهم بود، آنان فکر نمی کردند که اهداف این حرکت را آنان تعیین نکردند اند بلکه این خواستحفاظتین سرمایه است. نمی دانستند که اعلام اینکه "ما تولید میکنیم" چیزی را تغییر نخواهد داد،

اخراج و بیکاری را حل نخواهد کرد. بالاخره بی نغز از نمایندگان به کمیته برده شدند و بدنیال آنان بقیه نمایندگان به در کمیته رفتند و سعی کردند که کمیته اخل کمیته بیژر، نظریه های دیگر بروند.

مذاکره با توب و تشرهای بخائی رئیس کمیته و متهم کردن نمایندگان با خلاقگری شروع شده بود. و بخائی نمایندگان را، تصحیح کرده بود که "نیست اگر اعتراضی داشتید نمی باید دسته جمعی می آمدید". بلکه باید این مسئله بوسیله کمیته با د و نفر از نمایندگان شورای اسلامی کارخانه تحقیق میشد و با آنهاست های انقلابی تماس می گرفتند.

هیئت مدیره دولتی هم میدانید و شروع بروکردن حکمهای قانونی کرد حکم که به او اجازه عزل و نصب را بدون مسورت با احد، هند اند و یا این امضا "وزیر" دولت بود. بحث از جندی هم بخائی دولت که: "عدم ایمان نماینده هیئت مدیره دولتی به معنی بی ایمانی شماست زیرا بود ایمان شما به وزیر معتمد بی ایمانی به دولت و... است."

دنیایه کارش از ... از صفحه ۱۹

باری، هیئت مدیره دولتی وینائی به سادترین شکلی برای نمایندگانی ثابت کردند که "قوانین" به آنان اجازه میدهند که "اربابی برود" و "عند لیبیان بیاید" و "شما" "اکسر" "قوانین" را قبول دارید باید این عزل و نصب را بپذیرید و آنان براساسی حقیقت را میگویند. حقیقت جامعه سرمایه داری را که قوانینش جانی برای حتی حق نظر کارگران نگذاشته نمی تواند که بگذارد.

دوره پیشتر در پیش پای کارگران نموده است، یا قوانین را بپذیرند و یا طاعت از جامعه طبقاتی و حکمرانی سرمایه و استعمار سرمایه داری گردن بنهند و یا در مقابل این نظام طبقاتی در مقابل استعمار امپریالیستی قد علم کنند و صفوف منظم و پر توان خود را در جهت نابودی این نظام به همراه تمام مظالم فاشیستی و غیر قانونی اش سازمان دهند.

حالا دیگر نمایندگان کارگران می توانستند بفهمند که از این مذاکرات کاری ساخته نیست، باید میدانستند که تنها جبهه مقاومتی با رزقمانند کارخانه ها و ریطن مبارزه رفقای کارگرمان است آنجا است که باید استقامت کرد. آنجا است که باید در کنار تمام کارگران کارگران سرمایه را وادار به مذاکره کرد و ونسسه اینکه به "خدا نشان" رفت، تا هر آنچه که میخواهند به زور اسلحه "پاسد ارانمان" بگویند.

نمایندگان کارگران از هیئت مدیره دولتی پرسیدند که "اربابی وارد بود، چرا باید او را عوض میکردید و کارخانه را بر روی فلک نگاه میداشتند؟" هیئت مدیره دولتی جواب بزرگش را داده بود: "اربابی متخصص بود ولی مکتبی نبود، او بی عرضه بود، او جلو پخش اعلامیه را نمی گرفت حتی بسته شکلی با کونوشتها همگاری میکرد" و بگفتی رئیس کمیته در پسوند همه اینها افزود که: "اربابی مکتبی نیست، تمام شد دیگر همین یک شرط برای برکناری هر کس کافیست."

بله، همین یک شرط برای حذفین نظام سرمایه داری کافی است. ولی گویا بسیاری نمایندگان کارگران کافی نبودتسا بفهمند که "تمام مسائل بر سر مکتب است." "مکتبی" کسسه حکم میکنند تا دهانها بسته شود، مبارزه سرکوب گسرد. "مکتبی" که میگوید "اطاعت کن، و یا اخراج" مکتبی کسسه میگوید "هیچکس جز من حق تصمیم ندارد" مکتبی که میگوید کارگران غلط میکنند که به اینگونه امور دخالت کنند "مکتبی" که میگوید "سرمایه داری را از رکنور سرمایه داری تحت سلطه امپریالیسم است مکتب اعمال دیکتاتوری دشمن و عریان سرمایه!

و عند لیبیان این آدم "مکتبی" بود. او آمده بودتسا "مکتب" را نجات دهد. او آمده بود و از همان ریز اول خدل و نشان "مکتبی" را کشیده بود. که "حرکت خارج از ایدهای من حرکت کند اخراج میشوند. حتی از تمام کارخانه باشد. او نجات دهنده "مکتب" در کارخانه بود. "مکتب" سرمایه!

دیگر همه میزروشن شد بود. عند لیبیان برای یک فرد بسیار

خانه از به اصطلاح عناصر انقلابی آمده بود. نه برای بستن کارخانه، بستن کارخانه تنها حریمای برای شهید کارگران بود که می توانستند با به کارگیری آن هر چه سریعتر به اهداف خود برسند.

و اما در کارخانه چه گذشت: صبح بعد از روشن نمایندگان کارگران با بی میلی به سر کارخانه رفتند. و م کارخانه غیر عادی بود، کارگران تمساح وقت به امورات اری سر میزدند تا خبرهای جدید را بگیرند، می خوابستند بیخند که چه به سر نمایندگانشان آمده است. هم

زمان باپردن نمایندگان به کمیته، چند پاسد ار بد رین کارخانه می آیند. کارگران وقتی از ورود پاسد اران به کارخانه و گرفته شدن نمایندگان باخبر میشوند، دستبه دسته به امورات اری روی آورند. اما بدسله پاسد اران و بدسرستلین متفرقه و به سرکارشان باز گردانده میشوند و از درناظر لریقه با میگردند. یکی از کارگران رویه بنی از پاسد اران کرد و میگوید: "در زمان شاه کسی جرئت نداشت ارشدی. یا ساوانی به ایند ایاورد" پاسد اران حالیکه باد بسه غیب انداخته بود، جواب میدهد: "بله ما انقلابی هستیم و باید انقلابی رفتار کنیم" کارگران نگران از اوضاع رفقای کارگرشان تصمیم میگیرند که تاروشن شدن وضع نمایندگان در تاروشن خانه باقی بمانند خبر دیگری، جز خبر بدستگیری به آنان میرسد سد و از وضع نمایندگان خود بی اطلاع هستند. به پیسند بعد لیبیان میروند و دلیل دستگیری نمایندگان را جبر میگویند عند لیبیان اصلا "دستگیری را انکار میکنند و میگویند: "پسرای ریش شدن موضوع به آنها برده شد، فاند ونه چیز دیگری بگویی یکی از نمایندگان (کارگری) که روز قبل در پیشانی کارگران او را وادار به فرار کرد میوه) باید اخراج شود." او اضافه میکند که "پاسد اران را باید انتخاب کنید و یا او را" و کارگران متحدان "اعسلام" میکنند "او را".

کارگران، نمایندگان لیبیان ندانند، هیئت مدیره دولتی را تهدید کرده بودند. چون او را مامور زندان، مامور بستن کارخانه و بگیری میدیدند.

بعد از آنکه دیگر تمام شده بود، کارگران سوزد کارخانه باقی ماند و منتظر بودند، پاسد اران عند لیبیان بود دیگر رانسی سعی در متقاعد کردن کارگران داشتند که نمایندگان آزادند و انان در خانه هایشان نشستند.

در نتیجه مناسی اسم نمایندگان را نوشت و به چهار نفر نمایندگان آن که ابتدا به آنها برده شده بودند اختار کرد و مسئولیت تمام "ماجرای" کارخانه را در روزه اول بد و تر نمایندگان گسان و مخصوص بد و تر این میسفر انداخت. او این مرد و سرمایه سال که نمایندگانی را (که حد بد می نرفیدند) شناخته بود و می خواست آنان را که کارخانه بر روی اراده آنان حرکت میکرد پاسد اران و ارباب اینجته مبارزه خارج کند. و یک نفر از هم سرگرد بود که برای میفرستادند که میفرستادند. انان برای هر فردی نمرد. ده کسانی میاجه مشخصاتی داشتند و انان

دنیای له طرح عوامفریبانه ... از صفحه ۴

بیکارانه بدست رژیم جمهوری اسلامی (که در ماده واحده و احسنه ظاهرا " این چنین بنظر میرسد) بلکه تنها بوسیله کارگران آن هم با تکیه به نیروی مبارزه و وحدت خویش و با تحمیل خواسته ها ...

می بینیم که چگونه رژیم جمهوری اسلامی تمامی ارگانهای تبلیغاتی، و اجرایی خود را بکار میگیرد تا این سیاست را هر چه عوامفریبانه تر بکار بندد ... شورای انقلاب تصویب میکند، وزارت کار ما مورنظارت بر اجرای آن میشود، و کاربانینها وظیفه پیشبرد آنرا برعهده میگیرند و وظیفه سرگردانی کارگران بیکار و سرگردانند آنها را از این کارخانه به آن کارخانه!

شیشه سازی میثا : استخدا ام نمیکشیم! پاسارد مینو : خیسرا!

شیشهرها ستور سیزه : تمسخر نگهبان انتظار مان را میکند! و پس، آئی دی آی و ... با جواب منفی روبرو میشویم! انگار از تمام کارخانه ها تنها میتوان جواب " نه " را شنید ... برخی از کارخانه ها بعلت نیاز مقطعی خود چند نفری استخدام میکنند ... اما این تنها نیاز بخشی از سرمایه ها را در شرایط کنونی به استخدام تعداد بیشتری از کارگران بیان میکند کسسه همیشه نیز حتی در شرایط سخت ترین بحرانها میتوان ایمن چنین نمونه هایی را سراغ داشت ... و همیشه خیمه شب بازی رژیم را در مقابله با کارگران کامل میکنند ... و چنین است که سه ماه پس از باصطلاح آغاز اجرای این ماده واحده که ترسین ششامه نهای از اجرای آن بچشم نمیکورد!

اما آیا همه چیز میثانند در این نمایش خوبی پیش رود؟ رژیم جمهوری اسلامی خود نیز میداند که اینطور نیست! بیکاری کسر شکن، فلاکت تشدید شونده و ... و بالاخره واقعیت مبارزات کارگران اینراد رمزگشودترین نمایندگان سرمایه و متزلزلترین عناصر در صفوف کارگران فرو میکند که نه بیکاری در مان شد، هو یا تخفیف یافته و نه مبارزه پایان پذیرفته است و بنا بر این نمایش ... سحره رژیم حتی رنگ و لعاب خود را در روزنامه هایش نیز از دست میدهد ...

ماد های گند را واسط تیرماه به تصویب میرسد از همان فرد ای تولدش خود را با امواج سراسری مبارزات در کد اران، باگرد ... های د و باره کارگران بیکار، با مبارزه سرسختانه کارگران ... در کارخانه ها برای جلوگیری از اخراج همسنگران و باران کارگشمان، با مبارزات کارگران کارخانهجات پوشش، البسز، ابربرسلان، سیمان ری، تراکتورسازی، تهریز، نورد، هوازو ...

روبروی بیند * ماد های که قرار بود از اول مرداد ماه به اجرا درآید، نه تنها از اول مرداد خبری از اجرای آن نمیشود، بلکه تا حدی با عسدم بوجود آوردن امکانات دلخواه دولت یعنی برانگندن کارگران بیکار، تقلیل فشار بیکاران بر گاربانینها و وزارت کار، سازماندهی اخراج در کارخانه ها و ... عملا " حتی از طرف دولت نیز به فراموشی سپرده میشود *

ماد های که قرار بود مبارزه کارگران بیکار در کد اران و کارگشان شاغل را به رکود بکشاند خود باند اوم مبارزات جنبش کارگری، مبارزه کارگران علیه اخراج، مبارزه گسترده سراسری در کد اران و بالاخره مبارزات کارگران بیکار روبرو میشود و آخرتین ته ماند های عوامفریبیهای شون را در ریزگوشی گاربانینها به فراموشی می سپارد *

(زیر نویسها)

۱- ماده ۳۲ قانون کار به هرگاه قرارداد کار برای مدت و سب برای انجام کار معین منعقد شده باشد هیچک از طرفین سب تنهایی حق فسخ آنرا ندارند مگر در مواردی که در متن قرارداد پیش بینی شده باشد *

هریک از طرفین که در غیر موارد مذکور فوق قرارداد را فسخ نماید مکلف به جبران خسارت طرف دیگر خواهد بود *

۲- تبصره ۱ ماده ۳۳ مقررات این ماده در مورد قرارداد های کار که برای مدت معین و یا برای انجام کار معین منعقد شده باشد نافذ نخواهد بود *



توضیح و پوزش در باره تاخیر نشریه

کارگران آگاه و انقلابی! هواداران " کمیته ایجاد اتحاد کارگری علیه بیکاری "!

تاخیر انتشار نشریه شماره ۴ از یکسوتاشی از نواقص و نارسائیهای موجود در کار " کمیته ایجاد " و از سوی دیگر نواقص و اشکالات فنی مربوط به چاپ و تکثیر نشریه بوده است ... ما با پذیرش انتقادات مربوط به اشکالات موجود در کار " کمیته ایجاد " و پوزش از شما ضمن کوشش برای رفع این نواقص و نارسائیهای از همه شما میخواهیم که ما را در رجا، تکثیر و پخش و مسخر نشریه یاری کنید *



دربالہ گزارش از ... از صفحه ۲۰

کافی بود آنان را " متهم " به " کمونیست بودن " یا " مجاهد بودن " کند وید نیال آن تهدید و ارتباط را پیشه سازد . وجه بهتر که اینان از کارمندان باشند که د و نغرا زاین ی نغرم از کارمندان بودند ، کارمندان که طبرغم صداقت و حسن نیتشان بواسطه منافع جدا نانشان امکان به سازش کشانیدن مبارزه کارگران را داشتند .

نمایندگان با تناقضات فراوانی که در دهشتان ایجاد شد مورد ره اشندند . جمع نمایندگان متحد ، اکنون دیگر متحد نبود و نمی توانست باشد ، انجمن اسلامی و شورای اسلامی دریافت بود که مخالفت و ادامه مبارزه یعنی " مخالفت با امام زمان " بندگان منتخب امام " آنان خواست " تولید " را داشتند و

در ارتد و در آن ، وزیر پریشان ثابت شد که عند لبیبان مخالف این خواست نیست و " مکتبی " است . او میخواهد جلوی پخش اعلامیه را بگیرد . جلوی " اخلاکگران " را بگیرد . نمایندگان که چون دیگر کارگران بیگاری برایشان به منابه مسئله مسرتک و زندگی بود تهدید به اخراج شده بودند ، بی نفرد پتر آتسان در ردیف اول اخراجیون قرار گرفته بودند . و هیچ برنامهای برای ادامه مبارزه نبود .

در کارخانه کارگران بیخبر از نمایندگان کارخان منتظر بودند ، سرسری رفته بود ، کارگران در گوشه و کنار با هم بحث میکردند . عند لبیبان و شرکایش ، تاکید داشتند که " بیخود منتظر هستید چون نمایندگان نشان آزاد شد فاند " و عند لبیبان تاکید داشت " ولسی کارگری که بمن توهین کرد می باید اخراج شود و میشود " کارگران متقاعد شدند که نمایندگان آزادند و فقط " یعنی از آنان اخراج میشود . " تعقیب فتنایا را به شنبه موکول کردند و کارخانه را ترک کردند .

روز شنبه زمانی که کارگران تماما " آمدند مجمع عمومی اعلام شد در کارگران شور روز چهارشنبه نبود . یکی از نمایندگان تمام جرائی را که در هیئت گذشته بود مویبواژ گوگرد . ارگران از اینکه از نظر هیئت دیره و کمیته نظراتان هیچ ارزشی ندارد و غنسا " در کمیته گفته شد ، که " کارگران هیچ کار ماند " به خشم آمدند و بودند .

و بعد کارگر " اخراجی " بالا رفت و گفت که " اگر شما بخواهید من می مانم و گرنه برای من اخراج مهم نیست " سکوت در کارگران حکمفرما شد ، یکی فریاد زد " مانس کذاریم احدی اخراج شود " ماد مقابل اخراج یک یکان می ایستیم ، سه ملیون ناراضی و بیگارد رابن مملکت وجود دارد چهارصد نفر هم رویش " ، یکی گفت اگر یکی را اخراج کنند ، بقیه را هم اخراج خواهند کرد ، اما نمی گذاریم " .

باز هم قضیه " تولید " و فراموش نکردن تولید پیش کشید شد قرار شد چند نفر به عنوان نماینده از میان کارگران انتخاب شوند و عربضای بنویسند ، قضیه اخراج را د نیال کنند و به سرکار برگردند و دیاره کار به کرده نمایندگانند اخته شد و کارگران را از " صحنه مبارزه بیرون بردند .

یعنی ۱۱۵ نفر با بودن کارگر " اخراجی " موافق بودند ، و بنده مخالف با این تفاوت !

باذ هتیشی که کارگران داشتند ، زمانیکه مبارزه در جهت جلوی گیری از اخراج ، برای باز بودن کارخانه برای افعال نادره همه کارگران (اکثریتشان) در تصمیم گیریها ، برای تثبیت رابطه های عملی برای مبارزه با بیکاری و ... از آگاهی و شناخت اوضاع از منافع واقعیشان و رهنمود های عملی برای مبارزه نالسی است . این حرکتی طبیعی بود . با وجود آنکه روزهای قبل متحدان " در جلوی عند لبیبان ، هیئت مدیره ، تهدیدشان بیه اخراج و ... ایستاد ، بودند اکنون به علت ضعف آنان ، عدم هماهنگی پیروان در اتخاذ تصمیم قطعی بر اساس منافع یا ... قوی کارگران ، عدم افساگری از منافع هیئت مدیره و وضعی در این حرکت و در مقابل نشان دادن منافع واقعی کارگران و ...

صافوق کارگران اتحاد بر سر خود و هر چه بیشتر از دست می دادند در این میان سازشک های کارگران بیشتر برای هدایت کردن مبارزه ، هدایت کردن مجمع عمومی کارگران در جهت اتخاذ تصمیم نامتای جلوی برای مقابله با اخراج و بیکاری برای مقابله با تصمیم های ضد کارگری هیئت مدیره و ... خالی بود . کارگران در مجمع عمومی می بایست این حق را برای خود تثبیت میکردند ، که " کسی را نمیتوان بدون تصمیم مجمع عمومی از کارخانه اخراج کرد ، حتی اربابی را " و راه های عملی تثبیت آنرا نیز با تکیه به نیروی تمامی کارگران کارخانه و همچنین تلاش برای جلب نمودن کارگران کارخانه های دیگر همسایه آنان قلمرو ... اتخاذ می نمودند .

عند لبیبان به دفتر آتام بدون آمد ، بودن و حکم اخراج را نفی در بیگاری امضا کرد ، " مدیر عامل " مکتبی " برای برقراری تمام آمده بود . کارگران را به دفترش میخواندند ، با درموت رست و آمد خود را راناجی کارخانه میدانیست کسی که کارخانه را راه می اندازد فقط به سزای که کارگران دارند و " اخلاکگران " را " خفته نمایند " ، به د انظار به سزای کارگران را در راه ره به کمرته بردند و مدتی آنها را نگذاشتند و بعد به هم انظار موش شدن فرم " ثابت آزاد کرد نسد .

روز یکشنبه مجمع عمومی از کارگران کارخانه که کارگران هستند و انجمن اسلامی هم بین آنان بودند به دم در کارخانه رفتند و کارگر " اخراجی " را با خود به درون کارخانه آوردند . و با این حرکت خود عملا " حکمهای قانونی " را زیر پا گذاشتند . روز بعد مشخص بود عند لبیبان شیوه ارض را فراموش کرده است ، در پیش وضعیت نمی توانست به همان خوبی و خوبی که از پیش بسرا ، حیثت مدیره و عند لبیبان انتظار میرفت پس رود . برآمد آستار انقلابی کارگران ، ریچند روز اخیر با تمام نقادان محضر ، بجز در این سرمایه به اندازه کافی فهمانده در سرای لاکتونی در زمانیکه کارگران مجموعا " با یافتاری بر روی خواستهای خوب خود هیچ شده بودند نمیتوان آتش هر دم شعله ور شوند مبارزات کارگران را پیش از پیش مشتعل ساخت و بنابراین فعلا " یک نام به عقب منبهند ، فعلا " از اخراج کارگران " مندرت " میسوزند ، فعلا " به همان نه هیره دلخواه خود یعنی عند لبیبان و متنی را بر سر کار آورد فاند را می میسوزند .

زمنهای سخت در پیش است. میلیونها نفر از کارگران و زمینکنان بیکار و خانواده هایشان در خطر برگ از گرسنگی، بیکاری، آوارگی و خانه خرابی قرار دارند. تمام فشار تأمین زندگی آنها به گردن خواهران و برادران شاعلمشان سنگینی میکند و این آخرین نان آوران هم را گمراهی به اجسراج و بیکاری میشوند. دولت کوچکترین کفکی برای تأمین زندگی آنان نمیکند. هیچ بودجه ای را به بهبود وضع آنان اختصاص نمیدهد، و کوششش به فریادهای حق طلبانه ایشان بدهکار نیست. حاضر نیست که فشار دربار، "پرداخت حق بیمه بیکاری به کارگران" بشنود. بیانه ای است که: معاصره اقتصادی شده ایم، در حال جنگیم، هزینه خالی است! از واقعاً هزینه خالی است!

بهتر است که این اعلامیه از سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر توجه کنید.

در حالیکه همان "سودوز" را هم کارگران در پیش میکنند و آنرا در مجموع آنها می درند. در حالیکه کارگران که مصرفشان از حد اعتدال هم کمتر است نوبتی کمند:

کمی مصرف کمند و بیشتر تولید میکنند تا سرمایه داران بیشتر بخورند و بمانند.

در حالیکه با استفاده از این امکانات بسیار کم، هزاران روزگار را نجات میدهند.

در حالیکه بخت و سرنوشت در این بردهای زمین خور، بیشتر بر مبنای درآمدها و نه بر مبنای استعدادها و تواناییهاست.

خانه های آنها در محله های گوناگون و در محله های گوناگون است. اما در محله های گوناگون در محله های گوناگون است.

اگر بخت بد دارد، اما می تواند بگوید و صد نفری که در محله های گوناگون است.

اطاقی نخواهند داشت. حال آنکه زمینکنان ما به نفع دارند.

به این ترتیب که در این محله ها و محله های گوناگون است.

موسسات، خانه های همسایه دارند. بلکه هزاران محله کار آوارگان جنگ در این محله ها و محله های گوناگون است.

سیرداری در محله های گوناگون است. کلان محله ها در محله های گوناگون است.

دیسکا در محله های گوناگون است.

طبق بندی که در محله های گوناگون است.

و خورای و خوران خوب کرده اند که ۲۵ میلیون تومان در محله های گوناگون است.

محله های گوناگون در محله های گوناگون است.

محله های گوناگون در محله های گوناگون است.

محله های گوناگون در محله های گوناگون است.

محله های گوناگون در محله های گوناگون است.

محله های گوناگون در محله های گوناگون است.

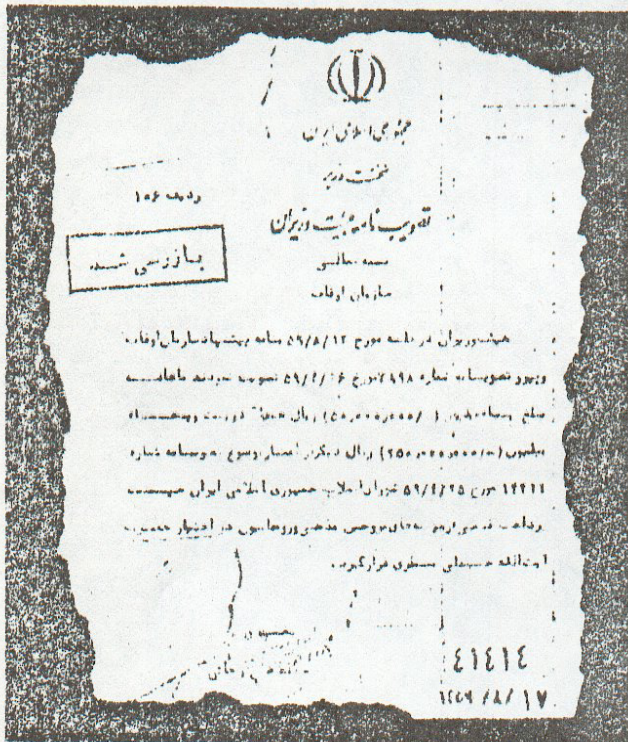
محله های گوناگون در محله های گوناگون است.

محله های گوناگون در محله های گوناگون است.

محله های گوناگون در محله های گوناگون است.

محله های گوناگون در محله های گوناگون است.

"بیت المال" به کجا می رود؟! تنها یک قلم ماهیانه ۵ میلیون تومان به آیت الله منتظری داده می شود



دشمن کارگران و زمینکنان را هر چه بیشتر آشنا کنیم ورده های توهم را کنار ببریم

نه از زمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۳۹/۹/۲

سری ...

گزارشی از مبارزه پرشور کارگران کارخانه آکام بتون

دیگر دوران موعظه کردن درباره "سیرانقلابی" و "آباد کردن خانه ایران" یا "انقلاب برای مکتب" گذشته است. بعد از گذشت نزدیک به دو سال دروغ و فریبکاری چهستان گذشت نزدیک به دو سال تحمل دستاورد های قیام رژیم سرمایه داران برای حفظ خویش، برای نجات از رسوائی و ناپودی می باید تعارف با ایشان را با انقلاب و چهارچوب با انقلاب کنار بگذارد، مجبور است ماسکهای انقلابی نمایانه ای خویش را به کناری بگذارد و جبهه واقعی خویش را بنمایاند.

در آنسو در مصاف مقابل کارگران به جان آمده اند و کوسه چکشین جرقه ای توان آنها را در کارگران را چون آتشفشانی به غرش و هشتی دولت سرمایه داران را به لرزه در آورد.

بنابر این اگر تا دیروز رژیم سرمایه داران پنهان کارگران پیشرو انقلابی و کمونیست را اخراج میکرد یا به زندان می انداخت و یا حتی ترور میکرد اکنون دیگر برای جلوگیری از فاش خویش، جلوگیری از مبارزه کارگران و زحمتکشان و سقوط خویش می باید با دست بازتری عمل کند. می باید لباس رزم بر تن کند و قبل از آنکه زبانی به افشای او باز شود، می باید شش پرده را کنار زند و بیکر ناتوان نشود ز رو با صفا و مشتهای کارگران و زحمتکشان قسمرار گیرد. این دوستان بر توان و زبانهای گویا را قطع کند.

اما رژیم باید بکوشد و می کوشد تا آنجا که امکان دارد ایستاد روی رومی را به تعویق اندازد تا بتواند با آمادگی کامل بسمه رویارویی با کارگران بشتابد. هرچه چند صبا حیست که جنگ چون داری مسکن تمام درد های نظام سرمایه داری تحت سلطه ایران، ببرد، می بر تمام تناقضات و ناتوانی های رژیم جمهوری اسلامی انداخته است. اما این "حاره" و "نجات" نیز دلخواهش نخواهد بود و "تناقضات" و "ناتوانی" های رژیم ببار دیگر پس گمان بسیار شد تر ظاهر نخواهد شد. آری بزودی باید ماسکها به کناری گذاشته شوند و بنا بر این رژیم می باید از همه اکنون خود را برای روی رومی با کارگران و زحمتکشان آماده کند. می باید با زبان خود را دست چین کند و مهربانه، دلخواه خود را در گمانهای دلخواه آراپوشد.

و کارخانه آکام بتون یکی از این گروه های بیکار است که مزد و ران سرمایه را بدست و پا انداخته است. عرصه ای برشود و بر دزدان مقابل سرمایه داران و دواشمان ایستاده اند. عرصه ای که شیوه های فریبکارانه در آن به آخر راه رسیده اند و تنها یک راه باقی مانده است: سرکوب و اخراج و زندان و قاضی تا در مرحله اول کارگران پیشرو و انقلابی و در صد آنها کارگران کمونیست که نبض مبارزه در کارخانه اند می بایست هدف قرار گیرند.

در روز سه شنبه ۱۳/۷/۵۱ هیئت مدیره دولتی به همراه فردی به نام عبدالامین به کارخانه آکام بتون میرود و وی را بسمه عنوان مدبرعامل چندین کارخانه به چند تن از مهندسان مهندسی و مدبرعامل آری را برکنار کرده اعلام می کنند. ولی چون مدبرعامل قبلی (اریایی) در کارخانه نبود، این تغییر و تحول را به آمدن اریایی بکابل می کشند و از امیراداری خارج می شوند و به آکام فلز (کارخانه سبازری) می روند.

چند ساعت بعد در ساعت ۱۱ مدبرعامل چندین (عبدالامین) بدوین همی "خبر" ما "مهندسی رسمی" و "حکمی" در تشریح مدبرعامل قبلی وارد امیراداری می شود و مدبرعامل آکام بتون می کند و به دفتر مدبرعامل میرود و پشت میز او قرار میگیرد. در امیراداری خبر ورود عبدالامین می پیچد و چند نفر از کارگران که از موضوع با خبر شده بودند آژیر کارخانه را می کشند. کارگران دست از کار کشیده و بطرف امیراداری می آیند. اولین دسته کارگران در حدود ۱۵ الی ۲۰ نفر بودند که با عبدالامین در دفترش درگیر شدند. عبدالامین مرتب کارگران را به "اخلالگری" متهم و تهدید به اخراج میکرد.

حالا تمام کارگران در امیراداری و جلوی آن جمع شده بودند و با خشم فراوان از این "انتصاب" و بی اطلاعی و در نظر نگرفتن تأثیر آنان خواستار خروج عبدالامین از کارخانه بودند. در همین ضمن اریایی (مدبرعامل قبلی) به کارخانه وارد شد و بعد از برخورد تند با عبدالامین کارخانه را ترک کرد. کارگران از هر طرف با شمشیر و ناسزا چیزی می گفتند، یکی می گفت: "با برو بیرون یا بیرونت می کنیم" یکی می گفت: "توجه ناره هستی و به چه اجازه ای آمده ای اینجا" چند نفر شعار دادند: "یا مرگ یا اریایی" یا "اریایی، اریایی بی حمایت می کنیم". کارگران خشم آلود و معتز از هر طرف فریاد می زدند و نا آرام بودند. کارگران را چند بار از امیراداری بیرون بردند. اما آنها دوباره با شدت و خشم بیشتری بر می گشتند. عبدالامین که تا چند ساعت پیش حرس از اخراج همه کارکنان مسوزک حالا دیگر در مقابل خشم و هیاهو هوو کرد. نمای کارگران کبک و ترسان شده بود. از دفتر مدبرعامل بیرون آمد و عازانه گفت: "من هم مثل شما مسلمان هستم، حسن باشا، مودبانه رفتار کردم، شما هم می باید مودبانه با من رفتار کنید" یکی از کارگران که بوسله عبدالامین به اخراج شهید شده بود گفت: "مودبانه به شما فرصت میدیم که بروید، وگرنه با اردن می بیرون می کشیم". کارگران بی فریاد حرف رفیق کارکنان را تائید کردند. عبدالامین که خود را در خطر خشم کارگران میدید، ناچار از میان صف کارگران خشمگین به آکام فلز فرار کرد.

۱۶ ←

کارگری پروز است سرمایه نابود است